

تا خلقها سرود صبح زندگی را با آهنگ جانبخش اتترناسیونال همصدا کنند

اول ماه مه امسال، نود و ششمین سالروز همبستگی کارگران جهان است. بدینال مبارزات گسترده کارگران در نیمه دوم قرن نوزدهم، به تدریج خواست ۸ ساعت کار در روز، تبدیل به یکی از خواستههای معنوی کارگران در تمام کشورهای صنعتی گشت. "آرتناسیون دربار ۸ ساعت کار... با چکهای سفید فرسخ پیمای لوکوموتیف از اقیانوس اطلس تا اقیانوس آرام، از انگلستان نونا کالیفرنیا را فرا گرفت." (مارکس) و این جنبش وسیع طی تظاهرات و اعتصابات مختلف صد ها هزار کارگر را در بر گرفت. **بقیه در صفحه ۳۳**

در این شماره

اخبار جنبش دانشجویی

شعری از یک رفیق

یاسخ به چند نامه

گزیده اخبار ایران در ...

گزارش درگیری هائیس ...

خاطره ای از بیرن

روز اول اردیبهشت سالروز حماسه دانشجویان انقلابی و رسوائی سرکوبگران خلق

صفحه ۳

شاهی وظیفه سرکوب مستقیم دانشجویان را بر عهده داشت تا صدای حق طلبانه دانشجویان در همان حرم دانشگاه خفه کند و ثبات و امنیت را در دانشگاهها برقرار سازد. در این روز رژیم جمهوری اسلامی قدیمی فراتر از آن برداشته و با بسیج پاسداران سرزمین، و کمیته چیان و جماعت اراک سوسی بر کشتن و بستن و از ریشه کردن این سنگر آزادی نمود.

اول اردیبهشت ۶۱، سالروز یورش خونین رژیم جمهوری اسلامی به دانشگاهها و موسسات آموزشی عالیست. در چنین روزی در سال ۵۹، رژیم با یک نقشه قبلی و توسط نمای حساب شده، دانشگاهها و موسسات آموزشی عالی را به محل تاخت و تاز جماعت اراک و پاسداران تبدیل کرد. اگر تا دیروز "گارد" -

مصاحبه ای با دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران (۱)

مصاحبه زیر در ماه آوریل با دکتر تاسلو، دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران، از طرف "جهان" صورت گرفته است که در این شماره بخش اول آن به چاپ می رسد. بخش دوم این مقاله که در برگیرنده

مصاحبه با یکی از نمایندگان جنبش السالوادور در اروپا (۲) و پلاتفرم حکومت آینده در این کشور

صفحه ۶

بخشی از پیامهای ارسال شده برای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

بمناسبت سالگرد سیاهکل و قیام

"جهان" در خارج از کشور از آن مطلع کردند. در صورتیکه سایر پیامها نیز بدست ما برسد، نسبت به اهمیت آنها، در آینده ما در دست به درج آنها خواهیم نمود. **بقیه در صفحه ۱۲**

بخشی از پیامهایی که بمناسبت سالگرد رستاخیز سیاهکل و قیام پرشکوه بهمن برای سازمان ارسال گردید و نسخهای از آن بدست ما رسیده است را درج می کنیم. تا در شرایط تاخیر موقت در انتشار "کار" خوانندگان

گزارش درگیری ماینس خوابگاه‌های طلایی رژیم جمهوری اسلامی و جنبش دانشجویی خارج از کشور

رژیم جمهوری اسلامی که از فعالیت‌های گسترده و افشاگرانه دانشجویان انقلابی در خارج از کشور به تنگ آمده است، در نیمه دوم فروردین ماه به گردآوری جیره خوارانش در خارج از کشور تحت عنوان "سمینار اتحادیه انجمن‌های اسلامی" در آلمان - پرداخت تا به سیاست‌های سرکوبگرانه اش در خارج از کشور هماهنگی بیشتری بخشد.

این سمینار که عنوان آن "اخلاق اسلامی" بود! روز اول با پیام خمینی جلال و روز دوم با پیام منتظری منفور (که بدنبال خلق مرجعیت شریعت‌مداری اخیرا - آیت العظمی! هم شده است) گشایش یافت و ۱۶ نفر از عناصر بالای رژیم جمهوری اسلامی چون هادی - غفاری و بهارنی و... در آن شرکت کردند.

اینان با فاصله کوتاهی بعد از این سمینار عصر روز شنبه ۲۴ آوریل با بسیج حدود ۱۵۰ نفر از مزدوران حزب الله تحت رهبری هادی غفاری و "اخلاق اسلامی" را با حمله به خوابگاه دانشجویان ایرانی در شهر ماینس آلمان، از تئوری به عمل درآوردند!

حمله بدین صورت بود که آنها در بدو ورود خود به ساختمان خوابگاه به گروه‌های ۱۵-۱۰ نفری تقسیم شده و هر گروه به طرف اطاقی یکی از دانشجویان انقلابی که از قبل شناسائی کرده بودند، هجوم برد و در صورت باز نشدن در، از لای در گاز اشک آورنده درون پرتاب کرده و با فریادهای وحشیانه و ایمن دانشجویان را مورد ضرب و شتم قرار می‌دادند. در ضمن وسایل شان را خرد کرده و یا به یخچال‌ها می‌زدند. بعد از ساعتی این یورش با مداخله پلیس خاتمه یافت. در این حمله ۳۶ نفر از دانشجویان مبارز و متوق زخمی شدند و ۱۹ تن از این مزدوران توسط پلیس آلمان - دستگیر گردیدند. اینبار آتش‌آفر شورش بود که پلیس - دولت امریالیست آلمان نمی‌تواند به سادگی این جانیان را آزاد کند. از طرف دیگر مطبوعات و رادیو و تلویزیون آلمان نیز مجبور به پخش وسیع خبر مربوط به این خبر گردیدند.

بدنبال این نمایش "اخلاق اسلامی" حضرات، موجی از حرکات و اعتراضات وسیع از طرف کلیه

سازمانها و نیروهای مترقی، بعمل آمده است. این آکسیونها هنوز نیز ادامه داشته و موفق به اقتضای چهره وقیح و ضد انسانی این مزدوران در بین توده‌های مردم آلمان، شده است. خصوصا که در جریان این حادثه یک دختر آلمانی که ناظر حمله مغول و افلاتوها بود، به علت شوک، درگذشت است. به عنوان اعتراض به این عملیات فاشیستی، در شهرهای برلن، هامبورگ، ماینس، ساربروکن، کیسن، برمن، آخن، بسن، کونیگن، بوخوم و اغلب شهرهای بزرگ آلمان کمیته‌های هماهنگی با شرکت وسیع نیروهای مترقی حاضر در این شهرها تشکیل شده و آکسیونهای اعتراضی خود را هر روز بیش از پیش گسترش می‌دهند. پس از این حمله کمیته هماهنگی شهر ماینس با انجام تحصن و اعلام خواست‌های زیر تشکیل شده است:

۱- مجازات مزدوران دستگیر شده رژیم تروریستی جمهوری اسلامی

۲- لغو اعتبار نامه‌های دیپلماتیک مزدوران رژیم و اخراج آنان از آلمان

۳- بستن جاسوسخانه‌های رژیم در آلمان.

۴- اخراج مزدوران جاسوس رژیم پلیس به لباس دانش - جوی از خوابگاه‌های دانشجویی و از کشور آلمان غربی همچنین از طرف کمیته هماهنگی در شهر ماینس تظاهراتی با شرکت ۵۰۰ نفر انجام گرفت و نیز در شهر کیسن تحصن و در شهر ساربروکن تحصن و تظاهرات حول خواست‌های ذکر شده انجام گرفته است. از طرف دیگر در مقابل فروشگاه بزرگ شهر بن که مزدوران رژیم تحصن کرده بودند، آکسیون افشاگرانه‌ای از سوی هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران انجام گرفته و صاحب‌های مطبوعاتی برای افشا این جنایت و رابطه این مزدوران و "سفارت" انجام شد که در مطبوعات و شبکه‌های رادیو تلویزیونی پخش شده است. ضمنا روز جمعه ۷ ماه مه در برلن تظاهراتی با شرکت کلیه نیروها و از سوی کمیته هماهنگی انجام خواهد شد. در روز جمعه ۱۴ مه در هامبورگ تظاهرات دیگری از سوی کمیته هماهنگی در این شهر برگزار خواهد شد و در حال حاضر تحصن در شهر ماینس همراه با اعتصاب غذا ادامه دارد.

این حمله وحشیانه پس از سمینار "اخلاق اسلامی" و با توجه به سندی که در شماره ۴ "جهان" منتشر کرده بودیم و یاد نظر گرفتن روابط گسترده رژیم جمهوری اسلامی با پلیس و دولت آلمان قابل پیش‌بینی بود. مزدوران رژیم به عبت پنداشته و می‌پندارند

گزیده اخبار ایران در مطبوعات جهان

سندی تلگراف ۱۴ مارس ۱۹۸۲

لوازم یدکی تانکهای چیتن برای ایران

انگلستان در تدارک صد تیر مونیرو و وسایل یدکی تانکهای شیفتن و تحویل یک کشتی جنگی به ارزش ۴۰ میلیون پوند به عنوان سر آغاز ایجاد روابط حسنه با رژیم آیت الله خمینی می‌باشد. بنظر میرسد که ارتش ایران به فوریته این وسایل یدکی برای بکار گرفتن صدها تانک شیفتن در جنگ علیه عراق نیازمند باشد. بخشی از این خریدها تا بحال ارسال گردیده و قرار داد های بزرگ دیگری نیز در شرف تکوین است.

همچنین امکان تحویل ناوچه بیست هزار تنی خارک که سفارش شاه مخلوع ساخته شده بود نیز بسیار قریب الوقوع بنظر میرسد. انگلیس از ایران ضمانت خواسته است که در صورت فرستادن ناوچه خارک به ایران از آن در جنگ با عراق استفاده نشود و از ایران برای پایش آوردن اسلحه سبکی که بر روی عرشه ناوچه نصب شده، کسب اجازه کرده است. در حال حاضر هیچ مخالفتی از طرف دولت ایران با پیشنهادات فوق نشده است و بنا به اظهارات جمعی از مقامات ایرانی، مذاکرات در باره ناوچه خارک به اتمام رسیده است.

اخیرا یک فرستاده نظامی همراه با یکی از سرهنگان ارتش ایران برای خرید اسلحه وارد لندن شده اند و احتمالا عقد قرارداد خرید اسلحه با شرکت‌های خصوصی اروپائی صورت خواهد پذیرفت تا با مقامات دولتی، دولت انگلیس در حال حاضر از تصدیق و تجویز صدور اسلحه و مهمات به ایران امتناع می‌ورزد، با وجودیکه دولت ایران تا بحال مقدار هنگفتی بطور پنهانی خرج خرید اسلحه در لندن و سایر پایتخت‌های اروپائی کرده است.

مشکل تأخیر پرداخت بدهی ایران به انگلیس بخصوص بدهی ایران به کارخانه تالوت، تحقیق معاملات جدید را احتمالا با تأخیر روبرو خواهد کرد. **بقیه در صفحه ۳۷**

که با این اعمال مذبحخانه می‌توانند صفوف مستحکم دانشجویان مبارز خارج از کشور را پراکنده سازند و هم چون گذشته، در مقابل وحدت جنبش دانشجویی، نصیشان از این اعمال، جز رسوائی هر چه بیشتر نخواهد بود.

روز اول اردیبهشت سالروز حماسه دانشجویان انقلابی و رسوائی سرکوبگران خلق

تاریخچه جنبش دانشجویی آئینه زلالی است و با نگاهی کوتاه بر آن جز جان فشانی، جز فدا و در میان توده ها زیستن و ایثار خون نمی بینیم و در این نوشته ما را سر آن نیست که در حوض رنگ تلک لحظات بوده و به نقد کاستی ها بپردازیم که این مبحث سر دراز دارد و این نوشته محدود. در این نوشته تنها به بررسی کوتاه و فشرده ای از تاریخچه دانشگاه می پردازیم، تاریخچه ای هر چند کوتاه ولی پرمعنا و نشان دهنده سیر حرکت اندیشه و مبارزه در جامعه ایران این بررسی هر چند کوتاه است ولی بسیار گدیری در فراز و نشیب های آن در کوران مبارزه کم و بیش نشان دهنده ماهیت دانشگاه و دانشجویان خواهد بود و خواهیم دید که این جنبش مبارزان، این فدائیان که در تمامی دوران حیاتشان و در دورانی که خضرات قدرت خزیده فعلی در اروپا و سایر نقاط امن و امان خارج از مملکت کج عاقبت را برگزیده و شکر سلامت را بجای می آورند، که بمانند که امروز "مفسد" نامیده میشوند که امروز "بد آموز" شده اند که امروز ... جنبش دانشجویی از بد و بیدایش خود تا کنون بمثابة بخشی از مبارزات و جنبش خلقهای ایران بود و نقش بسزائی در این مبارزات داشته است. طوسی سالهای ۱۳۱۳ تا سال ۱۳۵۶ جنبش دانشجویی مقاطع مختلفی را در بر میگردد که بسته به شکل جنبش در جامعه این مقاطع از هم قابل تمییز هستند در هر یک از این مقاطع و مراحل به حسب سطح جنبش توده ای و وضعیت رژیم و نیروهای سیاسی و توان طبقاتی نیروهای حاضر در صحنه سیاسی جامعه و جنبش دانشجویی نیز از نظر کمیت و کیفیت و رشد و سهی که در جنبش ایفا کرده شکلهای متفاوتی بخود دیده است. با تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ و تأسیس دانشسرای عالی در سال ۱۳۱۵ و همچنین چند مدرسه عالی دیگر به توسط رژیم رضا خان که بر اثر نیازهای کلی امپریالیسم و بورژوازی در جهت راه اندازی چرخهای اقتصادی و دستگاه بوروکراتیک آن بسود در بطن جامعه دانشجویان بعنوان قشری جدید بوجود

می آید و بزودی وارد میدان سیاسی جامعه شده و شروع به ایفای نقش خود بعنوان قشر روشنفکر جامعه میکند. در دوران اولیه دانشگاه حرکات دانشجویی آنچنان مشخص نیست که بتوان مفهوم جنبش دانشجویی را از آن درک کرد. زیرا زمانیکه صحبت از جنبش دانشجویی است منظور پیوند و هماهنگی حرکات دانشجویی با خیزش و جنبش مردم و بر بنیای کیفیت و کمیت آن جنبش ها در سطح جامعه است. در این دوره حضور دانشجویان در میان کارگر و پرورگر در میان جنبشهای ملی خلقهای ایران، تشکل و سازماندهی مبارزات ضد امپریالیستی و مکرانیک مردم، بردن آگاهی به میان مردم کوچه و بازار و پیوند تئوری با عمل، پیوند دانش مبارزه با حرکات خود بخودی مردم و آن چنان نیست که بتوان آن را جنبش نامید، هر چند که نخستین حرکات دانشجویی در همان دوران از جمله اعتصابات دانشسرای عالی در سال ۱۳۱۵ و ۱۳۱۶ در دانشگاه های فنی و پزشکی و حقوق رگه هایی از تشکل و آگاهی و تأثیر آن بر این اعتصابات را نشان میدهد. اما عامل و انگیزه اصلی اعتصابات این دوره محور عمدتاً آن خواستهای صنفی دانشجویان می باشد در این لحظات که نطفه های جنبش دانشجویی با چنین حرکاتی شکل میگیرد، اندیشه های مترقی گروه ارانی تأثیرات اولیه خود را در این محیط بجای می گذارد. به هر حال علاوه سالهای قبل از ۱۳۲۰ مبارزات دانشجویی در حالت جنبشی خود باقی مانده و رکود جنبش توده ها، زیر فشار دیکتاتوری رضا خانی و نیز از هم پاشی گروه ارانی و عدم وجود سازمانهای سیاسی و مبارز متشکل و منجم و از طرف دیگر ویژگی هائی - مانند خواستگاه طبقاتی دانشجویان در این دوره (که به بیشتر برخاسته از میان طبقات مرفه و یا قشر مرفه خرده بورژوازی هستند) و نیز فقر نسبی آگاهی سیاسی در میان روشنفکران انقلابی، از علل های عمده ضعف و محدودیت جنبش دانشجویی در این دوره است. با سقوط دیکتاتوری سیاه رضا خان و تحولات ناشی از جنگ دوم جهانی که خواه ناخواه ایران را نیز در

بر میگردد، بار دیگر غرش طوفان آغاز میگردد و جامعه در کل مانند سبلی در سراسیمگی به حرکت در می آید و مبارزات دانشجویان همگام با مبارزات توده ها در شرایط شبه مکرانیک و مساعدی که بوجود آمده بود رشد و اعتلا می یابد و دانشگاه و دانشجویی رود که نقش اساسی خود را در بطن جامعه و با آمیزش تئوری و عمل به عهده بگیرد. در این دوره دانشجویان شروع به برپائی اتحادیه دانشجویی میکنند که از میان آنها اتحادیه های دانشجویی هوادار صدق و حزب توده متشکل تر و فعال تر از سایر اتحادیه ها و گروه های دانشجویی شکل میگیرند. دانشجویان هوادار حزب توده در تمامی حرکات خود تابعی از حرکت کل حزب باقی می مانند و بدین در نظر گرفتن ویژگی های جنبش دانشجویی سعی در تطبیق کل حرکات خود با شی عمومی حزب میکنند، که از جمله میتوان حرکات اعتراضی آنها را نسبت به صدق نام برد که البته وقتی حزب توده بعد از قیام ۳۰ تیر سال ۱۳۳۱ شروع به نزدیکی به صدق میکند، اتحادیه دانشجویی حزب نیز در بنانه روی می چون و چرای خود را به مانند حزب از سیاست های دولت صدق نشان میدهد و دانشجویان طرفدار جبهه ملی نیز به تبعیت از سیاست های صدق در چهار جوب منافع بورژوازی ملی، هیچگاه سعی در نزدیکی دو اتحادیه بعمل نمی آورند. این دو جریان عمده دانشجویی هیچگاه حتی موفقی به اتخاذ تاکتیک واحد بر سر موضوعی مشخص نمی گردند. کلاً در این دوره جنبش دانشجویی بدون شناخت تاریخی از هویت مشخص و مستقل خود، کارسود حرکات مکرانیک و ضد امپریالیستی خود را در سطح جامعه درک نمی کند و بالعکس تمامی حرکات سیاسی خود را در چهار جوب خواست ها و اهداف حزب توده و جبهه ملی قرار میدهند. این امر باعث می شود که نیروهای دانشجویی با شروع دوران سیاه جدید دیکتاتوری شناختی نه تنها از هویت مستقل خود و تأثیر آن در بر آمد جنبش های مردم نداشته بلکه حتی قادر به سازمان دهی نیروهای خود نیز نباشند شرکت دانشجویان در مبارزات مردم مضطرب در اعتصابات سال ۱۳۲۹ همراه با مبارزات مردم بخاطر طوسی کردن صنعت نفت و نیز در ۳۰ تیر ۱۳۳۱ عمدتاً در این دوره از کانال احزاب سیاسی انجام گرفت در نتیجه ما شاهد افول فعالیتها و حرکات

مستحکم باد پیوند جنبش دانشجویی با مبارزات توده

در دانشگاه هستیم و با شروع تهاجم جدید و سراسری ارتجاع و انجام کودتای امریکائی در ایران به همراه سرکوب شده‌یده احزاب سیاسی منجمده حزب تود و جبهه‌فعلی، جنبش دانشجویی نیز متحمل ضررهای بی‌دری ارتجاع میگردد. هجوم بی سابقه ارتجاع به دست‌آورد های مبارزاتی مردم که وسعتی گسترده گرفته بود و عدم توان تاریخی بورژوازی ملی در مقابله این سرکوب و وجود ایورتونیسیم و تسلیم طلبی حاکم بر حزب تود و مخیانت‌های رهبری و سیاست صبر و انتظار در برابر کودتا باعث از هم پاشیدگی نیروهای مترقی گشته و همراه با رویه خاموشی نهادن جنبش خلق و شکست احزاب سیاسی و خمودی و یاس‌توده‌ها، جنبش دانشجویی نمی‌تواند سریعاً از تمامی نیروهای بالفعل خود استفاده کند. تنها مدتی پس از موفقیت کودتا و اعلام سفر نیکسون نماینده امپریالیست‌ها برای بازدید از نتایج بدست آمده از دزدنای سیاه و جاسو مساعدی برای شروع اعتراضات جدید دانشگاهی پدید می‌آید. در زمانیکه توده‌ها در چارخودگی ناشی از سرکوب وحشیانه ارتجاع شده‌اند و احزاب سیاسی یا کج عاقبت را بر برگزیده‌اند و یا فرار را بر قرار ترجیح داده‌اند و در حالیکه نیروهای سیاسی هیچ توضیح و جمع‌بندی از مسیر مبارزه و دلایل شکست آن ارائه نداده و برنامه و نقشه مشخصی برای ادامه مبارزه عرضه نکرده‌اند، دانشجویان به‌شکلی متشکل به‌ترکز قوای خود پرداخته و تظاهرات وسیعی در محوطه دانشگاه برپا می‌دارند. رژیم که انتظار این برآیند سریع پس از آن همه سرکوب سیستماتیک نداشت تصمیم می‌گیرد به سرکوب تام و تمام این اعتصاب و تظاهرات سیاسی دست‌بزند تا بخیال خود برای همیشه خیالش را از بابت دانشگاه راحت کند. تیپ آزادی‌مأور سرکوب می‌شود و در طی این سرکوب خونین سه دانشجوی مبارز، قسودجی، رضوی و بزرگ‌نیسا شهید و ده‌ها دانشجوی دیگر زخمی میشوند و بدین گونه شاه با قربانی نمودن این دانشجویان در پیش پای ارباب، سرسپردگی خود را بار دیگر اعلام میکند و این رسم جنبش دانشجویی است که همیشه در همه جا در میان رزم خلق وضد خلق حضور داشته‌باشد و نیز این رسم همه خائنین به خلق است که برای رسیدن به جزیره شات و آرامش! برای سرکوب مبارزات کارگران و کشاورزان، برای سرکوب مبارزات به حق خلقها و از روی جسد شهیدان و بخصوص دانشجویان و روشنفکران انقیاسی بگذرند. بدینا

این کشتار در روز ۱۸ آذر تظاهراتی بعنوان اعتراض به ورود نیکسون و نیز بمناسبت سوم شهیدای ۱۶ آذر در دانشگاهها برپا میگردد. بعد از این تظاهرات نیروهای نظامی در دانشگاهها مستقر شده و سرکوب دوباره هزار بار در دانشگاهها شروع میشود و رژیم که می‌بیند نمیتوان این کانون آتش را مهار کرد، به مدت ۲ سال (۳۲-۳۰) بر دانشگاههای ایران و وطن، حکومت نظامی را تحمیل میکند. یعنی در اصل حکومت نظامی در بخشی از نقطه سوزان و پر جوش و خروش وطن، یعنی در حائیکه به آن حد از آگاهی ارتقا یافته فسریت تبلیغات و سرکوب را نمی‌خورد و بدیهی بود که آنجا را جز با سر نیزه بالای سر نمیتوان رها کرد. بعد از این تظاهرات، جنبش دانشجویی تنها در میدان مانده و کم‌کم وارد دوران رکود مبارزاتی خود میشود. باستانه سال ۳۸ که دانشجویان به طرفداری از اعتصاب کارگران کوره پزخانه های تهران دست‌به حرکات گسترده‌ای می‌زنند فقر و فشار و خفقان سالهای پس از کودتا، جامعه را آبدستن حبش‌های تازه‌ای می‌سازد و فقر و ناراضی کاسه صبر خلق را لبریز میکند و جنبش دانشجویی نیز پس از سالهای سکوت شروع به حرکت میکند، امپریالیسم امریکا برای جلوگیری از قیوت خشم متوقفه خلق و نیز وارد کردن همه جانبه ایران در مناسبات بازار جهانی سرمایه ... به فکر "اصلاحات" می‌افتد و اقبال در پی این سیاست عوام‌فریبانه که در کل جامعه شروع میشود، به ریاست دانشگاه منصوب میشود و نیروهای نظامی دانشگاهها را ترک میکنند. مدتی بعد، اولین میتینگ متشکل و اعتراضی دانشجویان در روز ۲۹ ماه ۳۹ در جلایه پسر گزار میشود و بدینا این حرکت متشکل و سیاسی "سازمان دانشجویان" توسط رفقا جزئی، ضیاء‌ظرفی و سرمدی تشکیل میگردد و در آنک مدتی رهبری مبارزات دانشجویی را به‌عهده میگیرد. این سازمان در مدت کوتاهی طیف وسیعی از دانشجویان منجمده دانشجویان - پ را جذب کرده و نشریه دانشجویی - "پیام دانشجو" را منتشر میکند. در سال ۳۹ تظاهرات گسترده و بی‌دری دانشجویان تحت عنوان آزادی انتخابات مجلس از محوطه دانشگاهها خارج شده و به خیابانها کشیده می‌شود و در طی این تظاهرات دانشجویان زیادی زخمی و دانشگاه نیز تا ۱۴ فروردین سال بعد یعنی ۴۰ تعطیل میشود. در اردیبهشت سال ۴۰ بدیناال کشته شدن معلم مبارز خانعلی تظاهرات وسیعی توسط دانشجویان و

دانش‌آموزان و معلمان در جلو مجلس شورای ملی و خیابانهای اطرافش برپا میگردد. مدتی بعد بدیناال سیل جوانیه دانشجویان به یاری زحمتکشان محله می‌شتابند و مستقلاً به ساختن پل فلزی بجوادیه می‌پردازند و در پی زلزله بوئیب زهرا اینبار سیل دانشجویان که در دسته‌های متشکل به یاری زلزله زدگان می‌شتابند. در این سال همچنین میتوان از تظاهرات ضد امپریالیستی دانشجویان بعنوان هم‌دردی با انقلاب الجزایر و نیز مراسم سالروز ۱۶ آذر نام برد. به سرور "سازمان دانشجویان" به میدان کاشک‌جناب‌های درون سازمان بدل میگردد، جناح راست جبهه ملی سعی میکند با اخراج و کنار گذاشتن دانشجویان چپ و مترقی از سازمان، آن را در بست در اختیار خود بگیرد ولی جناح چپ درون سازمان به رهبری رفقا جزئی، ضیاء‌ظرفی و سرمدی دست به مقاومت زده و الیج گیری مبارزات مردم و نفوذ عناصر انقلابی و چپ در سازمان و نیز شکست سیاست‌های ورشکسته جبهه ملی در سطح جنبش، "سازمان دانشجویان" مبارزه را دیکال‌تری بخود میگیرد. سازمان دانشجویان از این پس پیوند هایش را با جبهه ملی با کساندن مبارزات و اعتراضات دانشجویان به کوچه و بازار مست‌تر کرده و در سال ۴۳ با نوشتن نامه‌ای به‌صددقاراضی خود را از مبارزه و حرکات جبهه ملی اعلام میکند. سال ۴۲، سال خیزش توده‌ای جدیدی است بر علیه سالها فشار و خفقان دانشجویان در دسته‌های متشکل چند نفری به سازماندهی تظاهرات مردم کوچه و بازار می‌پردازند سالها کار مخفی در هسته‌های مطالعاتی و تشکیلاتی در درون "سازمان دانشجویان" اینک در عمل نتیجه ملموس خود را نشان میدهد. دانشجویان با درک روشنتر از کار در میان توده‌ها و شال سازماندهی و شناخت از چگونگی عملیات قهرآمیز، دسته‌های تظاهرکننده را به تمام سطح شهر می‌کشاند. رژیم که انتظار این نوع تظاهرات را نداشت و عملاً می‌بیند که شهر بانی با تمامی قدر قدرتی اش عاجز از سرکوب تظاهرکنندگان است، ارتش امریکائی اش را وارد کارزار کرده و در طی دو روز ۱۵ و ۱۶ خرداد، خیابانهای تهران و چند شهرستان دیگر شاهد سبیت ارتش امریکائی شاه میشود از طرف دیگر دانشجویان برای خنثی کردن عوام‌فریبی‌های رژیم که مدعی بود که مخالفان رژیم و انقلاب سفید! روشنفکران جامعه نبوده بلکه مخالفین تنها مشت مرتج هستند، به بسیج تظاهرات گسترده‌ای در اطراف



دانشگاه دست می زنند . رژیم بوده دروغ و فریبکاری -
اشرار بوده و با سر نیزه و سربسب ، تظاهرات را به
خاک و خون میکشد . خلق در کوچه و بازار با دستها
خالی می جنگد و خمینی ها مشغول مذاکره با الهی
ها میشوند . جنبش به خونین ترین شکلی سرکوب شده
و بعد از مدتی ، نیز رهبران " سازمان دانشجویان "
منجمله رفیق جزئی به عنوان تحریک مردم به قیام مسلحانه
و نیز دفاع از جانبازیهای خلق در لیر وینتنام
بازداشت و زندانی میشوند . در سالهای بعد
دانشجویان با تغییر وضعیت و موقعیت جنبش ،
تظاهرات و اعتراضات خود را به محلات کارگری و کارخان
نجات می کشانند ، منجمله اعتصاب و تظاهراتی بعنوان
پشتیبانی از کارگران اعتصابی کوبی باقی شاهی ، بر-
پائی مینینگ در محلات فقیرنشین لشکر آباد اهواز
در میدان شاهپور و شاه تهران و در تبریز و ...
و بالاخره در سال ۴۶ فریاد رسای دانشجویان ،
این قاصدان حقیقت در کوچه و بازار ظنن افکندن
میشود که : " زحمت کشان بداندند تختی شهید گشته "
" دروغ بزرگ سال خودکشی قهرمان " وزیر ایمن
شمار ها دست به بسیج توده ها زده و جهل تختی
را تبدیل به تظاهرات ها هزار نفری بر علیه رژیم
میکند . در سالهای ۴۶ - ۴۷ تظاهرات و اعتصابات
سراسری و همزمان دانشگاهها و مدارس عالی کشور بود
و دنبال جنگ اعراب و اسرائیل این پایگاه امپریالیسم
دانشجویان طی تظاهرات و مینینگ هائی با به آتش
کشیدن دفتر هواپیمائی اسرائیل پیام همدردی خلق
ایران را به خلق قهرمان فلسطین میرسانند . در پی
این تظاهرات و حرکات گسترده اعتراضی زندانبانهای
شبه ساخته و خمینی منتفع شده (الباب از دانشجو
یان شده و شاکجه بطور سیستماتیک اعمال میشود -
دانشجو یا در کنج زندان و شاکجهگاهها و یا در خیابان
و بازار فریاد : اتحاد ، مبارزه ، پیروزی سر میدهند
در سال ۴۸ اعتصابات عظیم اتیونس رانی در تهران -
شروع میشود ، اینبار دانشجویان و دانش آموزان
دوشبده و نهم گشتان بازو کوچه و خیابان را بمحفل
اعتصاب و اعتراض تبدیل میکنند . رژیم ناتوان از ایمن
حرکت متشکل ، ناچاراً عقب نشینی کرده و از گران کردن
بلیط های اتیونس خود داری میکند . این حرکت
پیروز مندانه ، پس از سالها ، اولین جنبش اعتراضی
پیروز مندانه خلق در مقابل ضد خلق بود که در آن
رفیق سلطانپور نیز نقش داشت . در این سال
شمار " کارگر ، بزرگتر ، دانشجو ، اتحاد ، اتحاد "
پوسله دانشجویان به درون کوچه و بازار برده میشود

و دیدیم که چگونه خلق چند سال بعد با تشکّل زیر این شعار به خواست فرزندان انقلابی خود لباس واقعیت پوشاند .

از سال ۴۹ به بعد جنبش دانشجویی با جمع بندی - تجربیات گذشته ، اشکال جدیدی را در روند مبارزات دانشجویی شروع میکند . با شکست کامل سیاست های نیرالی جبهه ملی و فرار تقاله های باقی مانده رهبری حزب توده به خارج و از خارج در بوق بکه بکه و چنگنه میزند ن از اصلاحات به اصطلاح ارضی و سایر ملحقات این معجون امریکائی ، تشکّل های دانشجویی شکل نوینی را در مبارزات خلقهای ایران بر علیه - امپریالیسم درنده امریکا و نوکراتش برپا داشتند .

جنبش دانشجویی به این شناخت رسیده بود که وجود سازمانی جنگنده ، متشکل و پیشرو ضرورتی عینی و تاریخی است . تجربیات گذشته نشان داده بودند که برای همیشه نمیتوان جواب گلوله را با مشت داد و صرفا حرکات اعتراضی ، اعتصابات ، تظاهرات و تظاهرات خواست جنبش را بر آورده نمیتوان این نه درکی جدا از زمینه آگاهی توده ها ، بلکه در بستر خواست ذهنیسی توده ها بود . توده هایی که هیچ گاه در کنار تهاجم خود ، سازمان متشکل و جنگنده ای را بخود ندیده - بودند و وجود نیرویی سازماندهی شده و جنگنده و متشابه ضرورتی تاریخی حس می شد . چون خلق روشنفکران انقلابی ، شیوه های همیشگی و قدیمی را در بن بست بی فرجائی می دیدند و این نه دیدن خاص گروهی اندک و نفراتی خاص بود ، بلکه این - شیاع و تبلیغ خواست های خلق بود و روشنفکر خلق که باید به طریقی بن بست فعلی مبارزاتی را می - شکست ، بن بست بی ؟ شکست تمام مبارزات پیشین خیانت رهبران به توده ها ، سیستم سرکوب و حشیانه بر گونه حرکت اجزایسیون ، سیستم تبلیغاتی وسیع و از طریق آن سخی فرهنگ خلق ما و تحمیل فرهنگ امپریالیستی به آنها ، بزرگ جلوه دادن قدرت دشمن پر اگندن تخم یأس و ناامیدی نسبت به مبارزه و بی - اعتمادی خلق میان توده (مقدمه چاپ تیر ۱۳۵۱ بر مبارزه مسلحانه هم استراتژی هم تاکتیک)

و بدینگونه با شرکت وسیع دانشجویان انقلابی ، جنبش نوین ، ملحانه به حرکت درآمد و گردان روشنفکر انقلابی نشان دادند که جنبش بدون سلاح ، یعنی باز هم مسلخ گاه شدن و همین امر یکی از دلایلی بود جنبش دانشجویی را تبدیل به مهم ترین نفذیه گاه - درکات نوین انقلابی کرد ، و بدین آنکه از حرکت توده ای درکاتیک و از حرکات اعتراضی و اعتراضات باز ماند .

وهم بار دیگر به شکنجی نو، سنگهای زنجیری خود را تحت نام "گارد" راهی دانشگاهها کرد و این اعلام جنگ مجدد و هم بود بر علیه دانشجو و دانشگاه. فرزندان خلق نیز نه تنها پس نشستند بلکه مبارزه‌ای بی امان را بر علیه مزدوران و هم پی ریختند. سال ۱۰۵۱ اوج این حملات بود. صد ها نفر دانشجو زخمی و شهید شدند، بار دیگر دانشگاهها تبدیل به صحنه های نبرد خونین مוסلمان دانشجو و مزدوران گارد شدند. در این سالها دانشجو با حضور دانش در صحنه مبارزه مسلحانه و نیز در کچه و خیابان، در اعتصاب و تظاهرات از دانشگاهوار از زندان به پای جوشه های اعدام، به سحرگاهان پا گذاشت ولی هیچگاه "آری" نگفت، هیچگاه بر دلانه میدان مبارزه را خالی نگذاشت، در پای تپه های اوین به سلخ کشاند و شد ولی هیچگاه سر خم نکرد، به زیر شکنجه های قرون وسطائی رفت ولی "آری" نگفت، آرمانش و راهش را مقدس نگه داشت و صمیمانه با نثار خون خود، در جهت ارتقا و سازماندهی مبارزات خود و نوده ها قدم برداشت هر چه به سالهای ۵۶ نزدیک می شویم تلاطم و التهاب دانشگاه را بهتر حس میکنیم تلاطمی کفگیر از شور و حرکت خلق میداد و دانشگاه "سنگ آزادی" لقب گرفته، دانشگاه قبیله آزادی شد، دانشگاه به همراه بهشت زهرا، مرکز فعالیت انقلابیون شد. زند و دانشجو در کنار کارگر و دهقان و پیشرو و... در دانشگاه و شهیدش در بهشت زهرا، به همراه سایر شهدای خلق پیوندی مبارک و خونین بود. جان گرفتن شعارهای سالهای پیش دانشجویمان بود که فریاد میزدند "کارگر، برزگر، دانشجو، اتحاد، اتحاد" و ایمن اتحاد و پیوند را تمامی کوجها، تمامی سردخانه ها، و خیابانهای شهر گواهی میداند. و حصارها نابینود شدند. دانشگاهها میعادگاه خلق شدند. نجات الهی ها خون بهای این مهم را برداختند. و روحانیت و شروع به استفاده از این فرصت کرد. روحانیت خائن دقیقاً میدید که دانشگاه و دانشجو تبدیل به اسطوره ای شده اند. اسطوره آگاهی و مبارزه و دشمنان فعلی می دیدند که کارگر و برزگر و کارمند و پیشرو و دانش آموز و درکنار دانشجویمان ذهن دانشگاه را تبدیل به میدان انقلاب کرده اند و از طرفی دیگر از نظر افکار عمومی جهان نیز در کنار دانشجویمان وسیله ای است که میتواند افکار ارتجاعی و ضد خلقی را بشویند (و نه البته برای همیشه!) و دشمنان امروز سنگ دانشجو و دانشگاه را به سینه زند و آتشی

مصاحبه با یکی از نمایندگان جنبش السالوادور در اروپا (۲) و پلاتفرم حکومت آینده در این کشور

جنبه و از سوی دیگر تشکیل یک پیشاهنگ نظامی معرف همه سازمانهای توده ای از کانال شرکت گروههای نظامی اشان در کادر (F.M.L.N.) آغاز شد. از ماه آوریل ۱۹۸۰ فعالیتهای تبلیغ و تفهیم پلاتفرم دولت آتشی توسط (F.D.R.) در سطح جهان شروع شد و در این ماه با سفر اولین هیئت های اطلاعاتی و افشای گری، - جوانب مختلف مسائل سیاسی در السالوادور و جنایات و وحشیگری هایی که توسط حکومت نظامی دموکرات سیتی در تمام دنیا بطور ملموس مطرح شد. مسئله ای که به نیروهای خلقی السالوادور امکان می دهد که در خارج از کشور در قاره ها و کشورهای متفاوت نمایندگی هایی مستقر سازند و گام اول به اینصورت برداشته می شد. از سوی دیگر در داخل کشور از همان آغاز تشکیل پیشاهنگ نظامی، اتحاد نیروهای انقلابی یک پروسه فعالی را از سر می گذراند. جنبه آزاد بخش ملی فارووند و مارتی متشکل از مجموعه نیروهای نظامی و سازمان زیر است که هر کدام دارای شاخه نظامی اند.

(تشکیلات هماهنگ کننده انقلابی سیاسی - نظامی) شناخته شده در تاریخ ۱۷ دسامبر ۱۹۷۹ تشکیل شد و اولین نقطه تلاقی تشکیلات سیاسی - نظامی بود. در گام دوم و پس از مباحثات عمیق و طولانی دومین تشکل مهمی که بوجود آمد "هماهنگی انقلابی توده ها" (C.R.M.) (Cordination Revolution des Masses) است که در تاریخ ۱۱ ژانویه ۱۹۸۰ تشکیل شد. سازمانهایی که پایه تشکل (C.R.M.) را تشکیل می دادند عبارتند از:

MIP - UDN - FAPU - BPR - LP 28

پس از تشکیل این ارگان "هماهنگی انقلابی توده ها" یک سری برنامه و عملکرد مشترک در جهت وحدت نیروها

با توجه به اهمیت تجارب جنبش های رها بخش و ضرورت انتقال این تجارب به مبارزین میهنسازان، نشریه جهان خود را موظف میداند که در هر شماره بخشی از صفحات خود را به درج نوشته ها و آثار نیروهای انقلابی جهانی و انجام مصاحبه با نمایندگان و رهبران این نیروها اختصاص دهد. در اینسین راستا اولین مصاحبه را با یکی از نمایندگان (F.M.L.N.-F.D.R.) انجام دادیم که قسمت اول آنرا در شماره ۳ نشریه "جهان" درج نمودیم و در این شماره اقدام به چاپ بقیه مصاحبه همراه با برنامه مشترک نیروهای - انقلابی برای حکومت آینده السالوادور، می نمائیم. نکته ای که مجدداً باید خاطر نشان سازیم، این است که مصاحبه زیر در تکمیل مقالاتی است که در نشریه کار (شماره های ۹۵، ۹۶، ۹۷) چاپ شده اند و برای وقف کاتر به تاریخچه مبارزات خلق السالوادور و مواضع گروه های سیاسی مختلف و نقش آنها، مطالعه مجدد این مقالات ضروریست.

ب - رفیق لطفاً تاریخچه و پروسه وحدت نیروهای انقلابی السالوادور را در درون جنبه (F.D.R.F.M.L.N.) بطور خلاصه بیان نمائید.

ج - اگرچه از لحاظ تاریخی وحدت نیروهای انقلابی از سال ۱۹۷۹ بطور مشخص شکل گرفت اما پروسه وحدت به زمانی فراتر از آن بر میگردد. امر وحدت و برنامه های تدارکاتی آن بطور مشخص از سال های ۱۹۶۰ و با اوج گیری مبارزات توده ها در دستور کار قرار گرفت مبارزات در السالوادور نیازمند یک پیشاهنگ مبارزاتی بود و بطور روشن از سال ۱۹۷۹ است که ضرورت اینس این پیشاهنگ و سازماندهی آن هر چه بیشتر ملموس شد تشکیل دو جنبه سیاسی (F.D.R.) و نظامی (F.M.L.N.) متشکل از ۵ سازمان انقلابی در چهار چوب چنین نیازی قابل بررسی و درک است.

در این پروسه قطعاً نقاط عطف تاریخی مهمی وجود دارند که باید خاطر نشان نمود. در گام اول تشکیل ارگان هماهنگی سیاسی - نظامی است این تشکل که تحت عنوان "Coordination Revolution Politico Mil.itari" شناخته می شود.



حزب انقلاب السالوادور (P.R.S.)

سازمان مقاومت ملی (R.N.)

حزب انقلابی کارگران آمریکای مرکزی (P.R.T.R.)

حزب کمونیست السالوادور (P.C.S.)

سازمانهای یاد شده چهار چوب مستقل تشکیلاتی خود را حفظ کرده اند، لیکن همه آنها فعالیتهایشان را در جهت یک خط متحد در درون (F.M.L.N.) جهت داده اند و این مسئله ایست بسیار مهم. این پیشرفت از این نظر برای جنبه مهم است که در درون یک چهار چوب واحد برای همه نیروها یک رهبری انقلابی و واحد موجود است. این رهبری واحد است کشتار خطوط عملیاتی مبارزه را تعیین میکند. به همین جهت (F.D.R.) را پیشاهنگ خود می دانیم.

انجام شد. در این روند پیشرفت حرکت نیروهای انقلابی به صورت تشکیل (F.D.R.) (جنبه دموکراتیک انقلابی) در تاریخ ۱۷ آوریل که از نقاط عطف مهم تاریخ السالوادور است، متبلور می شود. پس از این تاریخ دومین گام اساسی در جهت تشکیل جنبه نظامی با ادغام (D.R.U.) (رهبری انقلابی متحد) (Direction Revolution Unifiée) در تاریخ ۲۲ مه ۱۹۸۰ برداشته شد. برای باز به کوئی تاریخچه تشکیل جنبه تاریخهای مهم تشکیل ارگان های متفاوت را یادآوری کردم. در این مقطع مهم از ۱۷ آوریل تا ۲۲ مه یک کار نسبتاً گسترده تشکیلاتی برای تدوین یک پلاتفرم مبارزاتی (از یک سو پلاتفرم دولت آینده یا خط سیاسی واحد کلیه سازمانهای درون

مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای رها بخش سراسر جهان

علیرغم اختلافات ایدئولوژیک در کار این استراتژی مشترک و صرف نظر از اختلاف نظر ها می توانند مبارزه انقلابی خلق السالوادور را به پیش ببرند . این مسئله مسلما می تواند مشکلاتی در آینده برای ما ایجاد کند اما همچنین ممکن است و اعتقاد داریم که می توانیم این مشلات را نیز هوار کنیم . بنا بر این برای مسائل مشخص رهبری واحد بر روی خطوط فوری عملیاتی به توافق می رسد و به دلیل وجود یک جنگ بسیار دینامیک و همه جانبه ، فرصت مبارزات ایدئولوژیک وسیع را نداریم . اختلافات به هر حال وجود دارند و قطعاً در برخی از جبهه های جنگ این مسئله می تواند تأثیر فوری داشته باشد . برای مثال در داخل یک گروه منطقه جنگ ، بین سازمانی که دارای خط جنگ طولانی مدت است و سازمان هایی که جوابهای مشخص به مسائل روز مره دارند می تواند اختلاف حرکت موجود باشد . اما به هر حال در مقابل با شرایط مشخص همواره سعی میشود که پاسخ واحد به دست آید و به بطور مشخص حرکت شود . به همین دلیل بطور مشخصی توان از رأی گیری حرف زد . اما یک توافق عمومی وجود دارد که در مقابل ساتلی که در بالا گفتیم و در داخل رهبری انقلابی متحد (D.R.U) پس از بحث گانی بر اساس نظر اکثریت اتخاذ تصمیم می شود . برای مثال از سازمان درون جبهه ۳ سازمان بر روی یک مسئله مشخص توافق داشته باشند مسئله حل است .

س - نقطه آغاز وحدت ، ارائه پلاتفرم از سوی یک نیروی درون جبهه بود و یا اینکه این پلاتفرم (پلاتفرم مذکور در این شماره به ضمیمه ضاحبه چاپ شده است) نتیجه مباحثات و پس از آن توافق همه نیروها بود است
ج - این پلاتفرم نتیجه مذاکره همه نیروهای درون جبهه است ، نکته جالب این است که بطور رسمی پروسه وحدت از ۱۷ دسامبر ۱۹۷۹ آغاز شد و به مدت ۵ ماه (تا ماه مه) ادامه داشته است . در وهله اول چنین به نظر می رسد که این مدت برای تعیین یک پلاتفرم بسیار کوتاه بوده است . اما در حقیقت ضرورت وجود یک پلاتفرم از مدت ها قبل از آن درک شده بود و مذاکرات از همان زمان حول این مسئله شکل گرفت . به همین دلیل این پروسه ، پروسای دموکراتیک بوده است که از پایه شروع شده است و در یک دوره از لحاظ زمانی کاهش داده شده ، بعنوان نتیجه ، پلاتفرم مذکور استخراج شده است . پروسه دموکراتیکی که بر اساس بحث و گفتگوی نیروهای مختلف

خطوط عام استراتژیک و پرنسیپهای اساسی همه توافق دارند و از سوی دیگر برخی مسائل مقطعی در هر شرایط مشخصی وجود دارند و بابت مداوم و بکار گیری مبارزه ایدئولوژیک مسائل و مشکلات مشخصی را حل می کنیم . نمی دانم چیزی که گفتیم پاسخ سؤال مشخص شما را می دهد یا نه ؟
س - بله . در تکمیل همین سؤال می پرسیم اگر نهایتاً این مباحثات به نتیجه نهائی نرسید و یا فرصت کافی برای بحث موجود نبود به چه صورت عمل میشود ؟ هر سازمانی مستقلاً عمل میکند و یا اینکه رای گیری



میشود ، و در صورت رأی گیری به چه صورت ؟
ج - خوب . می بینیم که به دلیل اینکه دینامیک مبارزه خود تاکتیکی فوری می طلبد ، بر اساس خطوط عام تدوین شده ، نه تنها بحث و مبارزه ایدئولوژیک باید وجود داشته باشد بلکه ، پاسخگویی بمرم به مسائل روز نیز مطرح است . بنا بر این بر سر همین مسائل است که امکان وجود اختلاف و همچنین امکان وحدت عمل و هم سوئی علیرغم این اختلافات وجود دارد . حقیقتاً مسائل و اختلافات غیر قابل حل وجود ندارند و همین مسئله بیانگر یک نمونه عالی است از کار مشترک . اگر روزی این جنگ خاتمه یپذیرد (و امیدواریم که هر چه زودتر پایان پذیرد) محصول و تجربیات مبارزه ای که از نزدیک در السالودور شاهدش هستیم برای مبارزات خلق ها بسیار گرانبها خواهد بود . می بینیم و تاریخ نیز به ما خواهد گفت که این چه نیروهائی هستند که

هنوز ساختمان آن به اتمام نرسیده است زیرا که مسئله اتحاد در عمل همچون ساختن یک ساختمان است و یک کار مداوم و پیگیری می طلبد .
س - سؤالی که از شما داشتیم این است که جبهه از قبل و در زمان تشکیل خود ، یک خط استراتژیک طولانی را تعیین کرده است و یا اینکه در هر مرحله بر اساس نظر هر کدام از نیروها ، تصمیم می گیرد .
ج - در این مورد یک حرکت دیالکتیکی دوگانه وجود دارد . از یکسو خط عمومی استراتژیک و تشکیل پیش آهنگ نتیجه یک پروسه تاریخی و یک بلوغ سیاسی که مقدماً در عمل و در خود مبارزه است . این مبارزه ای است که ریشه در تاریخ دارد . ۱۹۳۲ ، ۱۹۶۰ ، ۱۹۷۰ نقاط عطف تاریخی یک مبارزه طولانی است و در این پروسه استراتژی و خط عمومی مبارزه شکل میگیرد . خط عمومی عبارت است از بدست گرفتن قدرت سیاسی توسط خلق و بدست آوردن حق تعیین سر نوشت در درون کشور از محرای تشکیل یک پیشاهنگ . بر اساس این پرنسیپ های پایه ای است که زمینه تشکیل (FDR) بوجود آمد . بنا بر این با در نظر گرفتن این پرنسیپ های پایه ای که از سوی همه سازمانها پذیرفته شده است ، اکنون میتوانیم از استراتژی مقطعی در هر مرحله از مبارزه حرف بزنیم . بطور مشخص در داخل این استراتژی مبارزه است که احتمال وجود نوعی تفاوت حتی در شکل شرکت نیروها (در مبارزه) وجود داشته باشد . برای مثال ، یک مورد بسیار مشخص را مثال می زنم ، شرایط و پروسه مبارزه در السالودور که از پیشینه تاریخی طولانی مدتی برخوردار است (حدود ۵۰ سال مبارزه نشان میدهد که جنگ بعنوان یک پدیده سیاسی - اجتماعی و ژئوپولیتیک یک پروسه طولانی مدت است . برخی از سازمانها معتقدند که بر این اساس باید یک استراتژی و یک تاکتیک مبارزه طولانی مدت داشت و برخی دیگر از سازمانها معتقدند که مفهوم هدف مبارزه در بدست گرفتن قدرت سیاسی نهفته است و باید امکاناتی را فراهم نموده و تمام توان و امکاناتی را که در توان داریم برای بدست گرفتن قدرت سیاسی بکار بندیم . می بینیم که میان "بیش مبارزه طولانی مدت" و "بیش بکار گیری تمام توان برای بدست گرفتن هر چه زودتر قدرت" ، بهر حال تفاوت وجود دارد . این دو بیش هر دو در درون جبهه وجود دارند ، اما در طول یک دوره و بر اساس مبارزه ایدئولوژیک در عرصه مبارزه ، توانسته اند باهم کنار بایند . بنا بر این بطور خلاصه از یک سو بر سر



افراد خود و امکاناتی در خارج از کشور هستند و سعی میکنند این امکانات و نیروها را متمرکز نمایند و در این عرصه مسئله وحدت مطرح است. در صورت امکان هیچ کدام از این سازمان در خارج از کشور تبلیغات و انتشارات جداگانه ندارند. همه این سازمانها متحداً تلاش میکنند که مسائلی را که باید نشان دهند و نشان دهند و مسائلی را که باید تفهیم نمایند و تفهیم نمایند (و همین مسئله موجب پشتیبانی و حمایت افکار عمومی و اعتماد آنها خواهد شد. لازم است بگویم که بسیار عالی است که همه وسائل و امکانات نامحدود باشند اما در عین حال باید از کوچکترین جزئیات برای در هم شکستن هرگونه همزیمنیم آگاه بود. زمانی که از جبهه (F.M.I.N) حرف می‌زنیم فقط از جبهه حرف می‌زنیم و از سازمان متشکل در آن حرف نمی‌زنیم. زمانیکه از مسائل درون مناطق آزاد شده حرف می‌زنیم از کل آن و بدون جدا کردن این مناطق از هم حرف می‌زنیم. زمانیکه با بی‌سوادی مبارزه میکنیم از مبارزه با بی‌سوادی حرف می‌زنیم و... فکر میکنم این مسئله بسیار مهمی است.

س - با تشکر از اینکه وقتتان را در اختیار ما گذاشتید اگر پیامی برای انقلابیون و خلقهای ایران دارید بفرمایید
ج - خیلی میل دارم که مسائل زیادی را بیارم و منتها متأسفانه سعی خواهم کرد خیلی مختصر در این باره - بگویم. درود گرم خصوصاً را به خلقهای ایران و به همه مبارزین و نیروهای انقلابی و دموکراتیک می‌فرستم. ما وقایع ایران را در صورت امکان - با توجه بسیار دنبال میکنیم. میدانم که شما درگیر مبارزات طولانی هستید که از بعد از سقوط شاه ادامه داشته است و ادامه دارد. ما واقف هستیم به اینکه چه سیر طولانی‌ای باید طی نمائید تا به آن اهدافی برسید که نیروهای انقلابی امید رسیدن به آنها دارند. پیامی که میتوان بفرستیم و من نیز شخصاً علاوه بر نمایندگی یک خلق تمام در گیرمبارزه می‌توانم داشته باشم این است که مبارزه طولانی است. این را در کشور شما حس می‌کنم. می‌دانم که شما علیرغم همه مشکلات مجبورید به مبارزه

بلکه به مفهوم ساختمان یک آگاهی ملی از یکسو و مبارزه برای کسب حقوق خلق است. برای مثال، در مناطق آزاد شده سیستمی از نوع تعاونی تولید هستیم - مشترک توزیع مواد غذایی و... احترام ویژه به حقوق زنان و کودکان و... است. برای مثال در مناطق آزاد شده تعداد زیادی از فرزندان یتیم وجود دارند که تمام جمعیت مسئولیت آنها را به عهده گرفته است. باز هم برای مثال کلاسهای سوادآموزی را بسا شرکت تمام رفقای مبارز و دهقانان، علیرغم وضعیت جنگی دایر نموده ایم. ما در حال نشان دادن اهداف انقلاب هستیم و می‌خواهیم علیرغم وضعیت جنگی به تمام کسانی که حق کار و حق بیان و... دارند این حقوق را بدهیم. بنا بر این می‌بینیم که بر اساس این پلانم راه‌حلهایی که در آینده برای مشکلات متعدد داریم، علیرغم اینکه از هم اکنون نمیتوان گفت که آمد، اما در عملکردهای امروز ما در سطح جامعه نهفته‌اند. س - پیروزیهای جبهه در سطح جهان علیرغم تبلیغات دستگاههای تبلیغاتی امپریالیستی تمسهن و حمایت فراوانی برانگیخته است. میخواستم از شما سؤال - بکنیم که این حمایت‌ها و پشتیبانی‌ها کفایت وضعیت موجود و نیازمندیهای شما را می‌دهد یا نه؟
ج - امروز اگر کشور کوچک السالوادور را در تمام دنیا می‌شناسند در ازای کار تبلیغی گسترده ای است که مجبور شدیم برای روشن کردن افکار عمومی جهان پیرامون وقایع السالوادور در همه جهات انجام دهیم. ما ناظر این واقعیت بودیم که به علت کنترل دستگاههای تبلیغاتی، توسط نیروهای بزرگ اقتصادی و سیاسی - نیرومند در کشور های مختلف، روشن کردن افکار عمومی و به حرکت در آوردن مردم پیرامون این وقایع بسیار مشکل است. به نیروی بیکرانی برای توضیح دادن نیاز است. وظیفه سنگینی که هر روز به انجام آن پرداخته می‌پردازیم و امروز اگر می‌توانیم بگوئیم که همه مبارزات السالوادور را می‌شناسند و در عرض نیروی دیگری هست که با تمام توان سعی دارد که وقایع آشکار و غیر قابل انکار مبارزات مردم ما را در سطح جهانی تحریف ننماید برای مثال پیرامون ساختن باز سازی مناطق جنگ زده با نمایش فیلم‌ها و شواهد متعدد در سطح جهان از سوی ما برای جلب نظر مردم و حتی دعوت آنهاست به این مناطق علیرغم خطراتی که وجود دارد و فعالیت می‌شود. در کار این عملکرد هست که می‌توانیم مشکلات مبارزه‌مان را توضیح دهیم و از سوی دیگر هر کدام از سازمان متشکل در جبهه که دارای شبکه

به تدوین یک برنامه که مورد موافقت همه است، منجر شده است.
س - آیا جبهه وظیفه خود را به سرنگونی الیگارشی حاکم و شکست امپریالیسم یانکی در السالوادور محدود نموده است. و یا مسائل فراتر از آن را نیز در نظر گرفته است. بعبارت دیگر پس از سرنگونی نقش جبهه چه خواهد بود؟
ج - علت اینکه مبارزات خلق ما تاریخچه‌ای بس طولانی دارد، این است که مقابل دشمن بسیار بسیار نیرومندی قرار داریم: امپریالیسم و دیکتاتوریهایی نظامی و... در گام اول نه سرنگونی رژیم بلکه تغییر وضع موجود در داخل کشور و در مد نظر است. بعبارت دیگر تغییر تعادل نیرو بین خلق و نیروهای اقتصادی و نظامی است و او را تحت استثمار مداوم قرار داده است. معنای تغییر تعادل نیروها، ساختمان جامعه‌ای نوین است بر اساس تعادلی نوین. هدف و گام دوم تغییر تعادل نیرو بین یک خلق تحت سلطه و امپریالیسم است که او را در زیر سلطه نگاه داشته است. این مسئله به این مفهوم است که مبارزه تنها وسیله‌ای نیست برای سقوط یک رژیم. بلکه سرنگونی و تغییر یک رژیم تنها به مفهوم قطع روابط اسارت‌بار است و این مسئله به معنی بنای - نظمی نو است.

تغییر سیستم وضع موجود به مفهوم عمیق کلمه این مسئله از آغاز تدوین یک پلانم مسائلی را ایجاد میکند. به این معنی که از همان آغاز مسئله شیوه‌ای ساختمان این جامعه نوین مطرح است. بدیهی است که از حالا نمیتوان پیش‌بینی کرد که چه شیوه‌ای انتخاب می‌شود. یعنی نمیتوان گفت که گامهای مشخصی برای این تغییر وضع لازمند که آمدند و هر چند که ایده‌های بسیار روشنی در این زمینه داریم، اما همچنانکه چند لحظه قبل می‌گفتم که جبهه به دلیل داشتن یک استراتژی و یک تاکتیک مشخص، در هر مقطعی اهداف مشخصی را پیش‌بینی میکند و در نظر میگیرد و نیروهای انقلابی مجبورند که در این جهت حرکت کنند و مبارزه را در این مسیر به پیش ببرند به همانصورت هم میتوانیم پیش‌بینی بکنیم که از همین حالا است که ساختمان دولت آینده شروع میشود. برای مثال، امروز در مناطق تحت کنترل نیروهای خلقی در داخل السالوادور، (جایی که ما اسم مناطق جنگی بر آن می‌گذاریم و برخی آنها مناطق آزاد شده می‌نامند) ما در حال نشان دادن مرحله آینده ساختمان جامعه هستیم. بدیهی است این مسئله تنها به مفهوم باز سازی خرابیهایی جنگی نیست



مصاحبه‌ای با دبیرکل حزب دمکرات
کردستان ایران

س - آقای دکتر قاسلو، از آنجا که هنوز در سطح جنبش و در میان نیروهای مختلف انقلابی نسبت به مسائل ملی دیدگاه واحدی وجود ندارد، با وجودیکه ما با دیدگاه حزب شما نسبت به این مسئله آشنا هستیم، می‌خواستیم یک بار دیگر برای خوانندگان نشریه جهان توضیح دهید که آیا خلق کرد را یکی از ملل ایران می‌دانید یا جزئی از ملت و مردم ایران، بعنوان خلق واحد؟

ج - همانطور که گفتید دیدگاه حزب ما از سئاله ملی در سطح سراسری ایران کاملاً روشن است . من فکر میکنم همه کسانی که بشکلی درست اندر کار سیاست ایران هستند ، با این دیدگاه آشنا هستند ، بطور خلاصه ماخلق کرد را خلقی میدانیم که زبان خاص خودش ، سرزمین خودش ، تاریخ و فرهنگ گذشته خودش را دارد . خلقی است که در طول تاریخ مبارزه علیه ستم ملی و علیه امپریالیسم ، اثبات کرده که هویت ملی خود را داراست . حالا شاید کسانی پیدا شوند و بگویند که از نظر اجتماعی و اقتصادی ، کردستان هنوز به آنجا نرسیده که بشود از ملت کردن حرف زد . ولی ، بنظر من این سئالسه اصل قضیه را تغییر نمی دهد . زیرا که خلق کرد در ایران در روند تبدیل شدن به ملت - همچنان که در علم الاجتماع از ملت یاد میشود - قرار گرفته و دیگر به مرحله ای رسیده که فکر نمی کنم از این نظرسنجی پیروسته عقب گرد را طی نکند .

به این ترتیب ما، ایران را کشوری میدانیم که در آن ملل مختلفی زندگی میکنند. اگر در مرحله کنونی، خلقهای مختلف بگوئیم دقیق تر است، ما این خلقها - منجمده خلق کرده را جزئی از مردم ایران میدانیم. ولی بطور کلی اصطلاح "ملت ایران" را رد میکنیم. بنظر ما "ملت ایران" با خصوصیت هائی که برای خلق کرد بر شعردیم بعنوان ملت واحد وجود ندارد. ملت واحد را نباید با کشور واحد اشتباه کرد. ملت ایران کدام ملت است؟ (ملت فارس؟ ملت آذربایجان؟ ملت کرد؟) ما اصطلاح مردم ایران را برای مجموع خلقهای ایران بکار میبریم و اگر آنطور که در سؤال شما آمده بخواهیم، این اصطلاح را اندکی هم جلو ببریم آنوقت اصطلاح "ملل ایران" را هم صحیح میدانیم. تأکید میکنم به هیچ وجه با بکار بردن اصطلاح "ملت ایران" موافق نیستیم چرا که بکار بردن این اصطلاح نفی وجود ستم ملی در ایران است و منشأ

شون و نیسم ایرانی است . با اینکه به وحدت و تمامیت ارضی ایران ، به مبارزات متحد و یکپارده همه خلقهای ایران در راه استقلال برای د م کراسی و علیه امپریالیسم اعتقاد کامل داریم و عقیده داریم که خلقهای ایران پیوند های ناگسستنی تاریخی و فرهنگی و مبارزاتی با همدیگر دارند . پس خلق کرد خصوصیات ویژه خود را دارد و به همین جهت است که ما در چهار چوب تمامیت ارضی ایران برای مردم کردستان خود مختاری می خواهیم و این خود مختاری جنبه ملی دارد . بعضی ها برای لوث کردن درخواست مردم کردستان میگویند پس به اصفهان هم باید خود مختاری داد ! بنظر ما برای اصفهان نمیشود خود مختاری خواست . خود مختاری را میتوان برای خلقی ، ملتی که مستعبد شده و بسر اوستم ضاعف رفته باشد ، خواست . و این ملاکی است که شامل خلق کرد و دیگر خلقهای ایران مانند آذربایجان ، بلوچ و غیره میشود .

س. — شما رابطهٔ مسائل ملی و مبارزهٔ طبقاتی را، نه تنها در رابطه با خلق کرد، بلکه در رابطه با همهٔ اقلیت‌های ملی چگونه می‌بینید ؟

ج - ما در کردستان در میان مبارزه برای آزادی خلق کرد و رفع ستم ملی و با مبارزه طبقاتی يك رابطه ارگانیک می بینیم . بدین ترتیب برخلاف احزاب ناسیونالیست ، ما علاوه بر خواسته های ملی و رفع ستم ملی چنان سبب اقتصادی و اجتماعی سائله ملی را نیز در نظر گرفتیم . ما فکر میکنیم برای مردم کردستان فوق زیادی نخواهد کرد ، اگر فردا خود مختاری داشته باشد ولی فرض - کنیم ملاکین و قوود الهیا در کردستان حاکم گردند - بدین ترتیب ما آزادی ملی و فرهنگی را توأم با آزادی اجتماعی میدانیم . و درست به همین جهت است که در برنامه حزب دمکرات به مسائل اجتماعی و اقتصادی توجه خاصی بعمل آمده است . حتی میتوانم بگویم - و خواهش میکنم که این عدم تواضع را ببخشید - که هیچ حزب - سیاسی چه در ایران بطور اعم و چه در کردستان به طور اخص چنین برنامه ای ترقی از نظر اجتماعی و اقتصادی برای آزادی زحمتکشان ارائه نکرده است و بدین کوچکترین ادعای غیر واقعی میتوانم بگویم که حزب دمکرات کردستان در مرحله کنونی سائله ملی را سائله گریه کردستان میدانند ، ولی چون حزب زحمتکشان کردستان است برای رهایی و رفاه زحمتکشان مبارزه میکند . بیش از هشتاد درصد اعضای حزب ما را دهقانان زحمتکش تشکیل میدهند و بیش از نود درصد پیشرانان حزب ما از زحمتکشان شهر و روستا میباشند -

در این صورت وقتی حزبی از نظر طبقاتی از زحمتکشان تشکیل شده باشد و برنامه‌اش صرفی داشته باشد و برنامه‌ای که همانطور که گفتیم، باز تکرار می‌کند در ایران بی نظیر است (از نظر پیشنهاد ها و راه حل‌هایی که بسرا ی قشایای اجتماعی و اقتصادی ارائه می‌دهد) و در ضمن در عمل هم نشان داده باشد که هر کجا شافع زحمتکشان در خطر افتاده مدافع واقعی این شافع بوده ، فکر می‌کند آنوقت برای شما روشن میشود که مسأله ملی و - طبقاتی در مبارزه حزب ما و در جنبش فعلی کردستان بطور ارگانیک با یکدیگر پیوند یافته اند . و اما یک مسئله اینجا باقی می ماند و آن اینکه با توجه بشرایط اقتصادی و اجتماعی خاص عقب افتاده کردستان یعنی در جاییک طبقه کارگر صنعتی یا وجود ندارد و یا اصلا رشد نکرده ، صحبت از حزب طبقه کارگر بنظر من کار بیپوده است . و شاید سازمانهای دیگری که در کردستان بعنوان سازمانهای مارکسیستی - لنینیستی فعالیت میکردند ، هم بعد از چند سال تجربه این تجربه رسیدند که شعار هائی که از طرف این چنین - سازمانهای در کردستان طرح میشد ، شعار هائی بود غیر واقع بینانه . و اما حزب دمکرات در میان همفایان سازمانها توانست اکثریت قریب به اتفاق مردم را بطرف شعار و برنامه خود جلب کند . بنظر من راز موفقیت در این امر نهفته است که حزب دمکرات بهتر از همه سازمانهای دیگر واقعیت کردستان را فهمید و به خواستههای همه مردم کردستان از طرفی و به خواستهای زحمتکشان از طرف دیگر توجه مبذول داشت . و این سر انجام موجب شد که اکثریت مردم کردستان که بیش از هشتاد درصد آن را زحمتکشان تشکیل می - دهند از برنامه و شعار های حزب دمکرات پیروی نمایند .

س - اگر بپذیریم که تشکیل حزب طبقه کارگر صرفاً بر مبنای کمیت این طبقه و یا درجه رشد عینی آن در جامعه مشخص نیست و بیشتر منظور تأکید بر زاویه بینش حزبی از زاویه پیشروترین طبقه است و با توجه به تجربیات کشورهای مثل چین، ویتنام و یا مین که شرایط عقب مانده ای از نظر رشد پروتاریای صنعتی - داشتند، آیا باز هم این نظر شما میتواند درست باشد؟

ج - شما حتماً قبول دارید که طبقه کارگر ایران قابل تجزیه نیست. ما که نمیتوانیم ادعا بکنیم که در کردستان طبقه کارگر کردستان داریم و یک طبقه کارگر دیگر هم در بلوچستان داریم، یکی هم فزاد در آذربایجان و بعد

و قسمت های فارس نشین. طبقه کارگر ایران طبقه

مصاحبه‌ای با دبیرکل حزب دمکرات

واحدی است. چون در یک واحد جغرافیایی و سیاسی فقط یک طبقه کارگر میتواند وجود داشته باشد. آنوقت چون حزب دمکرات اردستان یک حزب منطقه‌ای است بشریق اولی نمیتواند حزب طبقه کارگر سراسر ایران باشد و چون چنین طبقه کارگری بعنوان طبقه کارگر اردستان هم از این نظر و هم از نظر رشد کم روابط اقتصادی و اجتماعی در اردستان وجود ندارد بدین ترتیب ما حزب منطقه‌ای بعنوان حزب طبقه کارگر در اردستان نمی‌شناسیم. و اگر کسی چنین چیزی تشکیل بدهد بنظر من واقعیت‌ها را خوب درک نکرده است.

س. - ممکن است در همین جا کمی راجع به رابطه جنبش ملی خلق کرد در ایران با جنبش ملی در سایر بخشهای اردستان برای بیان صحبت‌کننده؟

ج. - ما بعنوان حزب دمکرات اردستان ایران برنامه مان را به چهار جوب تمامیت ارضی ایران محدود کرده ایم ولی البته بعنوان مبارزان انقلابی از همه مبارزات آزاد بخش در سراسر جهان پشتیبانی میکنیم. آنوقت طبیعی است که از مبارزات خلق کرد در بخشهای دیگر کردستان نیز پشتیبانی بکنیم. و حتی برای این پشتیبانی اولویت قائل بشویم. ولی ما بعنوان حزب دمکرات برای خود اصولی قائل هستیم و دلمان میخواهد همه سازمانهای کردستانی که مثلا در اردستان عراق و یا ترکیه فعالیت دارند، هم این اصول را بپذیرند. این اصول عبارت از این است که در عین حال که ما از مبارزات آنها پشتیبانی میکنیم به خودمان حق نمی‌دهیم در مسائل داخلی فرض کنیم کردهای عراق یا ترکیه، دخالت کنیم. همانطور هم از آنها میخواهیم که در آگاههای داخلی جنبش کردستان ایران دخالت نکنند چنین دخالت‌هایی در گذشته از طرف برخی جنبش‌ها صورت گرفته و نتایج بسیار منفی ببار آورده است. این که ما الان بطور عملی پرچم مبارزه علیه قیاده موقت را در داخل اردستان ایران بلند کرده ایم به این علت است که فزندان ملا مصطفی بارزانی که رهبری قیاده موقت را بعهده دارند این اصل را زیر پا گذاشتند و حتی از اینهم فراتر رفته اند و تبدیل شدند به مزدوران رژیم خمینی در داخل اردستان ایران و علیه برادران کرد خود اسلحه برداشته اند. برای ما هم هیچ راهی جز این که از حقانیت از آزادی و شرافت مردم اردستان دفاع بکنیم باقی نماند و به این جهت بر خورد‌هایی بوجود آمد که ما بهیچ وجه خواستار

آن نبودیم.

به این ترتیب ما در عین حال که از مبارزات خلق کرد در همه کشورهای که کردها زندگی میکنند پشتیبانی می‌کنیم. در همان حال مبارزه حزب خود را محدود به تمامیت ارضی ایران کرده ایم در داخل ایران است که ما برای خود هم پیمان و متحد بمنظور عملی کردن خواسته‌های مردم اردستان جستجو میکنیم. شما اگر توجه کرده باشید شعار اصلی ما عبارت است از "دمکراسی برای ایران و خود مختاری برای اردستان". خود این امر که دمکراسی برای ایران قبل از خود مختاری برای اردستان آمده، تطبیقی نیست. نشانه این است که ما واقعا در آینده درون تنها یک دمکراسیم پیگیر را هم ضامن وجود آزادیه در ایران و هم ضامن بقای خود مختاری میدانیم که در چهار جوب ایران بدست خواهیم آورد.

پس ما بعنوان کرد از مبارزات کردها در کشورهای دیگر پشتیبانی مدائیم ولی ما ایرانی هستیم و مبارزاتمان را محدود به چهار جوب وطن عزیزمان ایران کرده ایم. س. - بنظر شما علل و انگیزه تشرهای موجود در میان نیروهای جنبش مقاومت خلق کرد، بویژه درگیری‌های گاه بگاه حزب دمکرات و کومله چیست؟ و همچنین رابطه شما با سایر نیروها در اردستان مثل شاخه کردستان سازمان چریکهای خلق ایران چگونه است؟ ج. - اردستان از نظر سیاسی فرق کرده است. در سال اول بعد از انقلاب و حتی شاید بتوان گفت تا یکسال پیش گروههای مختلفی در اردستان فعالیت میکردند. گروههای کوچکی بودند که نفوذ زیادی در اردستان نداشتند. ولی خوب دسته‌های مسلحی برای خود تشکیل داده بودند و در شهرهای اردستان آمد و شد داشتند. و حتی گروههایی بودند که اصولا در اردستان زمینه نداشتند و از بخشهای دیگر ایران به اردستان منتقل شده بودند. اکثر این گروهها تقریبا همه شان از بین رفتند.

بعد از گروههایی بودند که بوسیله شخصی یا قتل‌دالی اداره میشدند و اکثرا هم وابسته بودند مثل گروه زرکاری، سردار جاف و دیگران. حالا از هیچ کدام از این گروهها در اردستان خبری نیست. آنچه در اردستان جز حزب ما باقی مانده عبارت است از: سازمان کومله که در اردستان بوجود آمده و در اردستان رشد کرده. و متأسفانه باید بگویم از سازمان چریکهای فدایی خلق که موقعی در اردستان نفوذ زیادی در بین مردم اردستان داشت فقط بقایایی باقی مانده

چرا که بعد از انشعایی که در این سازمان روی داده وضع تغییر کرد. جز این دو سازمان ما سازمان دیگری را در اردستان نمی‌شناسیم. شما اگر درسساره شخصیتها هم بپرسید، شیخ عزالدین حمینی کسیه موقعی ریاست هیئت نمایندگی خلق کرد را بعهده داشت، حالا از چنان نفوذی برخوردار نیست. و بویژه چون بی طرفی را کاملاً کنار گذاشته و مستقیماً با کومله همکاری میکند مردم اردستان او را در واقع جزئی نمیدانند. اما اینکه سؤال کردید که چرا در درگیری بین حزب دمکرات و کومله بوجود آمده است، من سؤال شما را با اجازه‌تان اندکی تغییر میدهم. در واقع درگیری‌هایی که بین کومله و حزب دمکرات بوجود آمده است. این درگیریها را همیشه کومله بوجود آورده است. کومله بدون استثنا و همیشه در پی ایجاد چنین درگیری‌هایی بوده، اگر مدارک و قطعنامه‌های کنگره دوم این سازمان را که منتشر شده، ملاحظه بفرمائید می‌بینید که اعتراف به اشتباهات زیادی شده. ولی آنچه از این قطعنامه‌ها استنباط میشود بیشتر از خود این اشتباهات است و آن اینکه کومله در واقع هم نشان میدهد که از نظر سیاسی و تئوریک سرکردان استگاهی صحبت از این میشود که کومله تبدیل به سازمان سراسری در ایران بشود گاهی صحبت از این میشود که بعنوان سازمانی کردستانی باقی بماند. و برای اثبات این سرکردانی تنها همین را بگویم که در حالیکه در قطعنامه‌های کنگره دوم کومله اشاره‌ای به خود مختاری نشده است، دو ماه بعد از تشکیل کنگره در نشریه پیشرو که از طرف کومله منتشر میشود - از قطعنامه انتقاد شده و اشاره شده به اینکه باید خود مختاری بعنوان شعار مردم اردستان از طرف کومله پذیرفته شود و نشان داده شود که کومله طرفدار خود مختاری است. به این ترتیب کومله از نظر سیاسی و تئوریک دچار سردرگمی شده است.

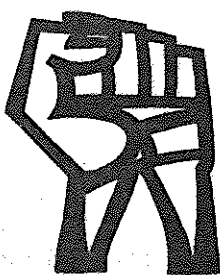
ما بعنوان حزب دمکرات کوشش کردیم که روابط خوبی، روابط دوستانه‌ای با کومله داشته باشیم. مدتی هم با هم در هیئت نمایندگی خلق کرد بودیم. متأسفانه در مدت سه سال رچند ماهی که از انقلاب ایران میگذشت بیشتر هم کومله صرف تبلیغ علیه حزب ما شده در واقع کومله در تمام این مدت سعی کرده بیشتر انرژی خود را نه صرف مبارزه علیه رژیم، بلکه صرف مبارزه علیه حزب دمکرات بکشد و ما مدارکی از کومله در اختیار داریم که متأسفانه گاهی حزب دمکرات را بعنوان دشمن



اصلی کومه به اعضا و ظرفیت‌هایش معرفی می‌کند ولی واقعیت این است که از روز بعد از انقلاب تا کنون در حالیکه هر روز حزب دمکرات کردستان ایران نفوذش افزایش یافته از نفوذ و محبوبیت کومه کاسته شده است. ما اگر واقعیت را در نظر بگیریم امروز کومه به سازمان کوچکی تبدیل شده که در بعضی از بخشهای کردستان در بین جوانان و بویژه دانش‌آموزان نفوذ دارد. علت برخورد های کومه با حزب را باید در یک مسئله اساسی دید و آن این است که کومه یک واقعیت بسیار روشن را که همه مردم کردستان قبول دارند، نمی‌مکشد و آن اینکه رهبری جنبش مبارزات خلق کرد به عهده حزب دمکرات کردستان ایران است. و اگر کسی می‌خواهد با حزب دمکرات همکاری نزدیک داشته باشد باید این نقش رهبری را قبول کند. ما همیشه گفته ایم و حالا هم تکرار می‌کنیم که اگر معیار نفوذ باشد در انتخاباتی که رژیم انجام داد و افراد کومه هم در کمیسیونهای برگزاری انتخابات و یا نظارت بر انتخابات شرکت داشتند و هیچ هم نگفتند که در انتخابات تقلب شده و در همه شهر هائ که انتخابات انجام گرفت کومه شکست خورده و حزب دمکرات بطور متوسط بیش از ۸۰٪ آرا را بدست آورد. بعضی اوقات دوستان کومه بما میگویند که این دمکراسی بورژوازی است! حالا من نمی‌خواهم بحث بر سر این بکنم که وقتی مردم به میل و رغبت رأی میدهند چگونه میشود عنوان کرد که این دمکراسی، دمکراسی بورژوازی است؟ من این را کنار میگذارم و شما از یک دمکراسی انقلابی حرد میزنید؟ ما مخالف نیستیم که سأل را همچنان که هست مطرح کنیم. در میدان جنگ علیه رژیم در مبارزه علیه حملات وحشیانه و بی دریغ رژیم این حزب دمکرات است که ایستادگی میکند، پیشروان حزب ما هستند که همه جا می‌جنگند. کومه بیشتر هیاهو میکند و کمتر می‌جنگد و برای نمونه می‌خواهم این را برای شما بگویم، هیچ نقطه‌ای از کردستان را نمیتوانید پیدا کنید که حزب دمکرات آن نقطه را ترک کرده باشد ولی کومه توانسته باشد در مقابل ارتش ایستادگی کند و آن را آزاد نگه دارد. در حالیکه نقاط بسیاری را میتوان مثال آورد. در واقع همه کردستان را که حزب ما مقاومت کرده و منطقه را آزاد نگه داشته است ولی کومه که در واقع در زیر سایه مبارزات رهبری شده بوسیله حزب دمکرات کردستان ایران زندگی میکند این واقعیت را که نهضت مردم کردستان از طرف حزب ما رهبری میشود، قبول ندارد.

وانگهی ما نظری داریم که بارها به نمایندگان کومه هم گفته ایم. آنهم این است که برای اینکه بتوانیم که واقعا اکثر مردم از کدام سازمان یا حزب پشتیبانی میکنند، به آنها پیشنهاد کردیم که هر منطقه‌ای را که خود آنها خیال میکنند نفوذ دارند انتخاب بکنند ما در آن منطقه انتخابات را برگزار می‌کنیم و هر سازمانی یا حزبی بیشتر رأی آورد، دیگری قبول نداشته باشد که این حزب یا سازمان رهبر است. پس به این ترتیب اختلاف ما این است که کومه بدون اینکه از طرف اکثریت مردم کردستان حق داشته باشد در همه کارهای احرای داخل کردستان می‌خواهد دخالت کند. و این چیزی است که حزب ما نمیتواند بپذیرد و در هیچ کشوری هم این را هیچ نیرویی که اکثریت مردم پشتیبان آن باشد، قبول نمیکند. اینکه با تمام این احوال ما از درگیری با کومه خودداری کردیم، نشانه بردباری انقلابی حزب دمکرات کردستان ایران است. نشانه دورینی این حزب است و نشانه این هست که ما تمام کوششمان را بکار میبریم تا کوچکترین برخوردی در داخل مقاومت کردستان روی ندهد و به همه می‌گوئیم که اگر نیرویی در اختیار دارید آن نیرو را برای سرنگین کردن رژیم خمینی بکار ببرید. من یکبار دیگر تکرار می‌کنم که ما برای همکاری با کومه همیشه آماده بوده ایم و هستیم بشرطی که کومه واقعیات کردستان را آنچنانکه هست، نه آنچنان که آرزو دارد باشد، درک کند. من - حالا بهتر است کمی را جمع به مسائل جنبش سراسری صحبت کنیم. اگر بپذیرید که یک "جنبه" هنگام به یک آلترناتیو واقعی بدل میشود که در برگیرنده عده نیروهای شرقی باشد که از توان مادی مشخص و اعتبار و حیثیت اجتماعی در نزد توده ها برخوردار بوده و بنا بر ماهیت طبقاتی اش نقش ترقیخواهانه ایفا نماید. حال با این پیش فرض سؤال ما از شما این است که آیا "شورای ملی مقاومت" با ترکیب فعلی - این خصوصیات را دارا میباشد؟ ج - اول می‌خواستم بگویم که نظرات من درباره شورای نظرات حزب دمکرات کردستان ایران است. در باره نظرات "شورا" یا مسائل خاص "شورا" توبیه می‌کنم به آقای سعید رجوی مسئول "شورا" مراجعه بکنید. و اما "شورا" را شما با جنبه اشتباه نکنید. اگر استادی را که از طرف "شورا" منتشر شده خوانده باشید، متوجه خواهید شد که این یک شورای فاسد.

گذاری است و نه یک جنبه، و برای مدت عینی - تشکیل شده، یعنی در واقع اگر "شورا" بتواند رژیم خمینی را سرنگ کند، پس از این سرنگونی مجلس مؤسسانی که ۶ ماه وقت برای تشکیل آن معین شده، وجود خواهد داشت. بعد دیگر شوراصلاحیت اش را به مجلس مؤسسان واگذار می‌کند. در حالیکه شما می‌دانید که اگر جنبه‌ای تشکیل شده بود، جنبه‌ای توانست مدت ها بعد از مجلس مؤسسان هم ادامه داشته باشد. پس از اول به فرق بین "شورا" و جنبه اشاره کردم که سوتفاهم رخ ندهد. و اما اینکه شما می‌گوئید که باید همه نیروهای ترقیخواه و ملی در "شورا" باشند تا بتواند وظایف خود را انجام بدهد. از این نظر من فرقی بین "شورا" و جنبه نمی‌بینم. برای اینکه "شورای ملی مقاومت"، بعنوان آلترناتیو منحصر بفرق فعلی، بتواند هرچه زودتر موفق گردد و من معتقدم که باید همه نیروهای ترقیخواه، اکثر نیروهای ترقیخواه، ملی و مبارز را در برگیرد. اما اینکه چه مانعی برای ورود نیروهای ملی و ترقیخواه به شورا هست را نباید از شورا خواست. زیرا در برنامه شورا و وظایف مردم دولت موقت، اساساً شورا در سندی که وظایف شورا را تعیین کرد، مسائل بگونه‌ای مطرح شده که فکر می‌کنم هر نیروی ملی راستین و هر نیروی انقلابی راستین میتواند به عضویت شورا در آید، یا حداقل از شورا پشتیبانی کند. من امیدوارم که در آینده نزدیک نیروهای کسبه صمیمانه علیه رژیم خمینی مبارزه می‌کنند، نیروهای ملی و ضد امپریالیست بتوانند در داخل "شورا" قرار بگیرند. چرا که فکر می‌کنم در شرایط فعلی کشور ما، با در نظر گرفتن همه جوانب سیاسی داخلی و بین‌المللی "شورای ملی مقاومت" واقعا تنها آلترناتیو است که می‌تواند ایران ما را در آینده، هم از جنگ داخلی نجات بدهد، و هم استقلالش را تامین نماید، و هم راه را برای یک رشد سریع اقتصادی آماده سازد. ادامه دارد



پیام جرج حبش و

بخشی از پیامهای ارسال شده برای

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

بمناسبت سالگرد سیاهکل و قیام

پیام رفیق جرج حبش - دبیر کل جبهه خلق برای آزادی فلسطین به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - رفقای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ! خوشبختیم که از طرف جبهه خلق برای آزادی فلسطین آتشین ترین درود های انقلابی را بمناسبت سالگرد آغاز مبارزه مسلحانه بر علیه رژیم فاشیستی شاه نثاران گنیم .

با رستاخیز قهرمانانه سیاهکل ، مبارزات خلقهای ایران وارد مرحله نوینی شد ، مرحله ای که میزبان اینجاد شرایط مساعدتری نسبت به گذشته می باشد . تفنگ ها و فداکاریهای شهدای سیاهکل و کسانی که راهشان را ادامه دادند ، عامل اساسی می باشد در ایجاد حیی که در آن انقلاب توده های ایران متولد و بر رژیم فاشیستی پیروز گردید .

سقوط شاه فاشیست ضریحی کادی به امپریالیسم و ارتجاع ، و همچنین پیروزی بزرگ برای نیروهای مترقی ای بود که آگاهی دارند بر اهمیت نقشی که ایران ضد امپریالیست - در پرتو ظرفیت و پتانسیل توده های ایران - میتواند ایفا کند . اهمیت ایران در مبارزه - ضد امپریالیستی ، بخاطر سوابق مشترک مبارزاتی خلق های فلسطین و ایران ، ویژگی خاصی برای انقلاب فلسطین دارد .

اطمینان داریم که توده های ایران ، قادرند که - مسائل ملی خودشان را بنحو درستی حل کرده و خصلت دموکراتیک انقلاب را حراست نمایند . و بدین سان ایران قادر میشود که نقش طبیعی اش را در مبارزه مترقی - خواهانه ضد امپریالیستی عهده دار گردد .

زنده باد مبارزه مسلحانه !
اتحاد خلق - شکست ناپذیری خلق !

دبیرکل جبهه خلق برای آزادی فلسطین - جرج حبش

جبهه خلق بحرین
روابط خارجی

رفقای کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

بمناسبت یادبود دوازدهمین سالگرد قیام قهرمانانه سیاهکل و اعلام مبارزه مسلحانه بر علیه رژیم ساقط شده شاه ، (کمیته روابط خارجی) جبهه خلق بحرین خوشبخت است که تهریکات و تهنیت های خود را تقدیم شما دارد و برای توده های ایران آرزوی موفقیت ها و پیشرفت های افزونتری را بنماید .

مبارزه مسلحانه برهبری پیشروان انقلابی ایران ، منجر به بی ثباتی دستگاه های سرکوب شاه گردید و مبارزات مسلحانه توده ها ، نیز ، نقش اساسی خود را در شکست کشتن دژ واند اوم امپریالیسم در منطقه خلیج ایفا نمود ، و عصر نوینی را باین ترتیب در تکامل روند انقلابی در ایران پدید آورد .

انقلاب ایران تأثیرات عمیق و مثبتی بر روی توده های عرب گذارد که در سراسر تاریخ مبارزات مشترکشان در کنار برادران ایرانی خود قرار داشته اند .

این بهنگامی است که امپریالیسم و ارتجاع عرب در تداوم و تکامل انقلاب ایران خطری واقعی را برای منافع خود مشاهده مینمایند ، و باین دلیل است که آنها با بهره برداری از مواضع شوونیستی ارتجاع حاکم در ایران و با برانگیختن وحشت در میان اعراب منطقه خلیج و ترساندن آنها از اهداف توسعه طلبانه اسرائیل ، تهاجمات گسترده ای را بر علیه نیروهای ناسیونالیست عرب آغاز کرده اند و از هم اکنون راه را برای مداخله آمریکا باز مینمایند . اما توده های ماو جنبش های ناسیونالیست آنها بر این امر آگاهند که دشمن اصلی خلقهای ما امپریالیسم آمریکا و طبقات ارتجاعی وابسته بآنهاست و مبارزه ضد امپریالیستی وحدت نیروهای انقلاب را در منطقه ایجاب کرده است و ما خواهان ادامه انقلاب ایران بطرف در نمای دموکراتیک و خلقی و شناسائی حقوق ملیتها و اقلیتها و نابود ساختن اساس و پایه های اقتصادی ، سیاسی و نظامی رژیم گذشته می باشیم .

بهنگامی که خلقهای ایران بیش از ۱۹ ماه درگیری جنگی هستند که از جمله نیاتش سقوط انقلاب ایران می باشد ، نیروهای شرقی ایران بر علیه سرکوب و اختناق و دیکتاتوری که از طرف رژیم بر علیه آنها اعمال میشود ، مبارزه مینمایند . اما هیچکس تردیدی ندارد که توده ها یعنی سازندگان انقلابهای بزرگ خواهند دانست چگونه اشتباهات خود را تصحیح نمایند تا خواسته های عادلانه و مشروع خود را که بخاطر آنها هزاران شهید

جان خود را قربانی کرده اند ، محقق سازند . خلق ما در بحرین ، که همواره در کنار برادران ایرانی خود در مبارزات قهرمانانه اشان بر علیه امپریالیسم ، خود کامکان و دیکتاتورها قرار داشته است ، در حال حاضر آزمایش بسیار سهمگین را از سر میگذراند که بشکل دستگیری های گسترده بوسیله دستگاه های سرکوب بحرین و هدایت شده بتوسط ارتجاع سعودی است . زیرا که دلالتان و نوکران امپریالیسم در خلیج تلاش میکنند تا تخم کینه و نفرت را در بین اعراب و ایرانیها بپاشند . اما ما ایمان داریم که خلق ما از این آزمایش پیروز و سرافراز بیرون خواهد آمد و روابط مبارزاتی مستحکم تر خواهند شد و بار دیگر شکست های حدیدگی را بر امپریالیسم در منطقه مسان وازد خواهیم کرد .

زنده باد روابط مبارزاتی اعراب و ایرانیها .
انتخاب بر شهدای خلقهای ایران .
پیروز باد توده های خلقی و نیروهای ترقیخواه انسان .

جبهه خلق بحرین - روابط خارجی



پیام راه انقلاب (دوریم جی یول) ترکیه
به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - رفقا !

بنام انقلاب پیروز ترکیه ، با همه وجودمان به مبارزه اصیل شما ، در راه استقلال و آزادی ایران و بخاطر رهایی همه خلقهای ایران ، درود میفرستیم . در یازدهمین سالگرد رستاخیز سیاهکل ، سرتا از مبارزه مسلحانه بر علیه رژیم شاه که آغاز رسمی فعالیت سازمان چریکهای فدائی خلق در جنبش رهایی بخش خلقهای ایران میباشد ، و سومین سالگرد قیام پر - شکوه خلق در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ که منجر به سقوط رژیم دیکتاتوری شاه گردید ، قاطعانه ایمان داریم که شما حامل دینامیسمی نوین در مبارزات انقلابی خلقهای ایران خواهید بود .

همزمان !
انقلابیون و خلقهای تحت ستم سرتا سر جهان ، بوضوح شاهدند که رژیم خمینی قصد خفه کردن صدای انقلابیون و سرکوب مبارزات آنها برای استقلال و آزادی خلقهای ایران را دارد . مردم سراسر جهان همچنین با تأسف شاهد حمایت برخی از محافل "چپ" و



کشورهای "سوسیالیست" از رژیم خمینی هستند ،
رژیمی که در داخل سیاست نابودی و سرکوب خلقها
و نیروهای مترقی و انقلابی را در پیش گرفته است . تاریخ
در باره کسانیکه با صول هبستگی و برادری بین المللی
نسبت به خلقها و نیروهای انقلابی ایران احترام -
نمیگذارند قضاوت خواهد کرد .

روشن است که خلقها و نیروهای انقلابی اجسازه
نخواهند داد که رژیم جمهوری اسلامی مبارزه آنها را
در هم شکنند و سد راه پیروزی با شکوه زحمتکشان ایران
بشود که رژیم شاه نوکر امریکائیا را از سر راه خود
جاری کردند . ما کاملاً اعتقاد داریم که بسیجه های
سياه و کثیف امپریالیسم در مورد ایران باخرا در نخواهد
آمد . خلق ایران که راه سرنگونی شاه را آموخت و باین
وسیله تحسین مردم سراسر جهان واز جمله را به سر-
انگیخت و دیگر اجازه نخواهد داد که بار دیگر وی را
به زنجیر کنند .
رفقا !

ما همانقدر که قاطعانه ایمان داریم که رژیم ترور و -
ستم را که در ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰ بوسیله ژنرالهای
ترک و نوکران ناتسو و امپریالیسم به سرکامه شکست
خواهیم داد ، بهمان اندازه قاطعانه ایمان داریم و آگاه
هیم که مبارزه خلقهای کرد و ترک از یک طرف و خلق
های ایران از طرف دیگر هدف مقدس مشترکی را در
پیش خود دارند .

رژیم فاشیستی که بوسیله آبرن و همپالکی هاییش
بر سرکار آمده است هدفی جز ایفای نقش زاندارم ناتو
و حفاظت از منافع آن در خاور میانه پس از سقوط رژیم
شاه ندارد . این رژیم تنها دشمن خلقهای ترک و کرد
نیست . او دشمن همه خلقهای خاور میانه است .
ستم ژنرالها که قدرت را برزور عصب کرده اند ، ستم
رژیم فاشیستی آنها با تمام خشونت خود در مورد
خلقهای ترک و کرد همچنان ادامه دارد . هم اکنون
قریب صد و پنجاه هزار نفر از انقلابیین و مبارزین مترقی
در زندانها بسر می برند . از تاریخ ۱۲ سپتامبر
۱۹۸۰ ، تعداد انقلابیین ترک که در گوهستانها ، در
خیابانها و بر روی تخت های شکنجه گاهها کشته شده اند
به ۷۰۰ نفر رسیده است . خلق کرد ما و زیرضیات ..
وحشیانه ترین حملات دولت ترک بمر میسرد .
امروز دیگر نمیتوان از مساله آزادیهای اساسی و
حقوق انسانی در ترکیه تحت سلطه دیکتاتوری نظامیان
فاشیست سخن گفت . کلیه حقوق و تمام آزادیها به

وسیله هیئت حاکمه زیر پا گذاشته شده است . شرایط
زندگی توده ها بشدت رو بوحامت گرائیده است . هیئت
حاکمه حتی به محافظ بورژوازی و لیبرال نیز رحم نکرد و
است : تا کنون دهها شهید در مبارزه ما بر علیه
ژنرالها ، بر زمین افتاده اند ، جنگ اعلام شده از طرف
ژنرالها بشور کلی بر علیه انتشار مترقی و خصوما بر علیه
سازمانهای انقلابی و سازمانهای مقاومت میباشد . -
هزاران نفر از رفقای ما در زندانها بسر میبرند و علیرغم
همه اینها ، و در شرایطی بس مشکل ، رفقای ما مصمم اند
تا مبارزه را به پیش ببرند .

روزنامه های ترکیه تنها تفسیر ها و نظرات هیئت
حاکمه را در باره مبارزات منعکس میکنند . حتی از طریق
همین روزنامه ها ، بسادگی میتوان مشاهده کرد که تفاوت
در برابر رژیم چه در شهر ها و چه در کوهستانها هم
چنان ادامه دارد .

هرچند که جنبش ما ضربات مهمی متحمل شده است
اما برای نابودی و سقوط گروه فاشیست ، و برای برقراری
حاکمیت واقعی خلقهای ترک و کرد و ایجاد یک جبهه
انقلابی مقاومت از خلقهای زحمتکش ترکیه ای آزاد و -
مستقل را تحقق خواهند بخشید ، این جنبش ادامه -
خواهد یافت . ما اعتقاد داریم که با کمک خلقهای ستم
دیده و سازمانهای انقلابی خاور میانه باین هدفها
خواهیم رسید .
همسرزبان !

میخواهیم یکبار دیگر ایمان خود را به پیروزی خلق -
هایمان اعلام داریم . آنها حاکمیت واقعی خودشان
را بنیان خواهند گذاشت و آنها که صاحبان واقعی
منطقه هستند ، زنجیر های امپریالیسم را از هم خواهند
کست و آنها پیروزی را بدست خواهند آورد .

با درود های رفیقانه
زنده باد مبارزه انقلابی خلقهای ایران و ترکیه
زنده باد اتحاد کارگران و خلقهای تحت ستم
سراسر جهان

دوریم چی بول (راه انقلاب)

پیام " حزب سوسیالیست جمهوری خواه ایرلند "
به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و هواداران
آن در بریتانیا

رفقا !

ما این پیام را بمناسبت سومین سالگی سقوط رژیم
شاه و دوازدهمین سالگرد سیاهلک برای شما در زمانی
می فرستیم که مبارزه بر علیه اعداها ، شکنجه ها ، به
بند کشیدن و لایزال انداختن سیاسی و بالاخره مبارزه بر

علیه امپریالیسم در ایران ادامه می یابد .

می توان مقایسه ای مستقیم از وضعیت کنونی ایران
و موقعیت ایرلند ترسیم کرد ، آنان که در اعتصاب غذای
خود شهید شدند ، آنان که در یکشنبه خونین در -
ایرلند به رگبار بسته شدند ، آنان که با گلوله های
پلاستیکی قربانی شدند و آنان که در طی چندین قرن
اخیر مورد شکنجه و زندانی و ترور بوسیله حضور نظامی و
اقتصادی و سیاسی امپریالیسم بریتانیا در ایرلند
قرار گرفتند .

ما به آن مبارزان ایرانی که در صحنه مبارزات ضد
امپریالیستی قرار دارند درود میفرستیم .

بهترین طریق گرامیداشت خاطره جانفشانی آنان
ادامه این مبارزات در تمام جبهه ها برای رها سازی
خلقهای ایران می باشد که پیروزی آن در حقیقت پیروزی
تمام انقلا بیونی که بر علیه امپریالیسم در جهان به
ستیزه برخاسته اند ، محسوب میگردد .

با درود های رفیقانه

جیفر کونلی کیومن - ون مسیک کلری
حزب سوسیالیست جمهوری خواه ایرلند - لندن
دوم فوریه ۱۹۸۲



پیام حزب جهانی کارگران به سازمان چریکهای فدائی
خلق ایران

حزب جهانی کارگران به مناسبت سالگرد قیام
شکوهند بهمین و ستاخیز سیاهلک درود گرم و انقلابی

خود را به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران تقدیم میدارد
همچنین از فرصت بدست آمده استفاده کرده و به شما
به مناسبت کنگره موفقیت آمیزتان که در سخت ترین شرایط
ممکن برگزار کردید تبریک عرض نموده و آرزوی موفقیت

برای شما در سال جاری داریم . توده های تحت ستم
ایران ، کارگران ، دهقانان و خلقهای تحت ستم با
نثار ده ها هزار کشته برای سرنگونی رژیم مغرور شاه
و نجات کشور از زیر سلطه امپریالیسم امریکا به مبارزه
پیرداختند . این مبارزه که وحشت بدل استثمارگران
جهانی و صاحبان اصلی سرمایه (در وال استریتم)
انداخت یکی از باشکوه ترین فصول تاریخ بشری بود .

اما بدلیل صدمات تلخی که نیروهای انقلابی و مترقی -
ایران طی ۲۵ سال حکومت ترور و سرکوبگر امریکائی شاه
متحمل گردیدند کارگران و ستم دیدگان نتوانستند شعرات
پیروزی خود را درو کنند . امروز بار دیگر طبقه کارگر
ایران و نیروهای مترقی زیر حملات خونین نیروهای -
ارتجاع قرار دارند . نباید هیچگونه توهی نسبت به



بخشی از پیامهای ...

رژیم خمینی داشت چرا که این رژیم با قتل عام انقلابیون و نیروهای مترقی در واقع آلت دست سرمایه مالی امپریالیسم آمریکاست که امروز جنگجوی تر از هر زمان دیگر مترصد بازسازی تسلطش بر ایران است.

شرایط غم انگیز کنونی بار دیگر نشان میدهد که تنها مداخله مستقیم طبقه کارگر با خود آگاهای طبقه خود و رهبری انقلابی هست که میتواند یک آلترناتیو واقعی در مقابل سلطه امپریالیسم و مستکبران باشد. به عنوان یک حزب انقلابی کارگران و ستم کشان در ایالات متحده وظیفه آلترناتیویستی خود میدانم که با خلق ایران که هائی چون سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که برای تحقق بخشیدن چنین آلترناتیوی مبارزه میکنند اعلام همبستگی نمائیم.

امروز امپریالیسم آمریکا به رهبریت ریگان روند خطرناکی را در جهت جنگ و تجاوز علیه جنبشهای رهاشی بخش و کشور های سوسیالیستی در پیش گرفته است. چنین روندی بخصوص در مورد آمریکای مرکزی و خاور میانه جایی که انحصارات نفتی آمریکا منافع خصوصی خود را در نظر دارد صادق است. برنامه جنگی ریگان در خارج و برنامه اقتصادی او در داخل با مقاومت فزاینده توده ها در داخل آمریکا مواجه گردیده است. توده هاییکه احتیاج به کار، مدرسه، مسکن، بیمارستان دارند و نه به مداخله جویی های میلیتاریستی برای منافع کمپانی های عظیم، این هدف حزب جهانی کارگران است که مقاومت این توده ها را در جهت یک نیروی مبارزاتی سازماندهی کند، بطوریکه سیستم امپریالیسم را از درون به مخاطره اندازد. در اتحاد با استشار شوندگان و ستم پیدگان تمام جهان از ایران تا السالوادور.

مرکز بر امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی تمام بشریت مرکز بر ارتجاع و سرکینگران

قدرت بدست کارگران و دهقانان ایران
کارگران و ستم پیدگان جهان اتحاد
حزب جهانی کارگران (نیو یورک)

پیام هفته نامه مستقل و چپ گاردین

پیام همبستگی از هفته نامه گاردین به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران.

پیروزی تنها نصیب کسانی خواهد شد که خود را برای یک مبارزه طولانی آماده کنند. دوران طولانی مبارزه انقلابی ایران برای آزادی و سوسیالیسم الهام

بخش تمام کسانی است که در سراسر دنیا درگیر مبارزات مشابه ای هستند. یازده سال قبل چریکهای دلسیر، مبارزه مسلحانه را علیه حکومت دیکتاتوری شاه در سیاهکل آغاز کردند. هشت سال بعد، سلاح های این انقلابیون نیروی قدرتمندی برای سرنگونی رژیم شاه گردید، که به نفع خود نشان دهند، دوره نویینی برای دست یابی به خواست های طبقات زحمتکش بود. با سرنگونی شاه، خواسته های طبقات زحمتکش ایران عملی نشد. بنابراین مبارزه طبقه کارگر علیه رژیم ظالم و سرکینگر جمهوری اسلامی بار دیگر وارد مرحله مرگ و زندگی گردید. لیکن همانطوریکه شاه نوکر امپریالیسم آمریکا در اثر مبارزات مردم به زیر کشیده شد، جنایتکاران جدید نیز به سر نوشت او دچار خواهند شد.

تنها راه دست یابی به نیازها و مطالبات توده مردم ایران سوسیالیسم است، راهی که سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ("اقلیت") بیش از یک دهه دلاورانه در جهت دست یابی بدان مبارزه کرده است و انقلابیون زیادی در این راه زندانی، شکنجه و شهید شده اند. راهی که به عبث نبوده و انقلابیون دیگر آنرا ادامه خواهند داد. انقلابیون از کانال تلاش های سازمانی در بین طبقه کارگر و متحدین آن در حال پنهان شدن - شالوده پیروزی نهائی در جامعه هستند. جا به جایی در آن از ستمگر اثری نباشد.

پیروزی در یک کشور پیروزی برای مبارزات تمام جهان در راه سوسیالیسم است. از السالوادور تا نامیبیا، ایران تا کره، سرانجام تمام خلقهای تحت ستم در جهان آزاد خواهند شد.

زیستن در آمریکا و قلب سیستم امپریالیسم جهانی وظیفه ویژه ای بمعده انقلابیون آن قرار میدهد و آن حمایت و همبستگی با رفقای انقلابی در حال مبارزه خود با امپریالیسم در سرزمین هائیکه استثمار امپریالیستی به شدید ترین وضع در جریان است. با چنین احساس وظیفه ای است که کارکنان روزنامه گاردین گرم ترین - احترامات انقلابی خود را در سالگرد (قیام سیاهکل) که صاف با دوران سختی از مبارزه شماس به سازمان چریکهای فدائی خلق تقدیم میدارد. ما همچنین تلاش خود را بکار خواهیم گرفت تا با هر گونه اقدامی بوسیله امپریالیسم آمریکا در جهت مداخله علیه مردم ایران در هر مقطعی در آینده مقابله نمائیم.

زنده باد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

زنده باد انقلاب ایران

زنده باد سوسیالیسم

رقصا و دوستان!

سازمان ما انقلابی ترین درود های کمونیستی خود را نثار رفقای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و - هواداران آن در بریتانیا می کند.

سه سال قبل جنبش توده های ایران، که از نظر بعد کلی آن در قرن بیستم بی نظیر بوده است، رژیم مغرور شاه را که بعنوان نگهبان منافع کشورهای امپریالیستی در منطقه خلیج فارس محسوب می گشت برانود آورد.

انقلاب بهمن ساخته از قدرت توده های و با محتوی ضد امپریالیستی بوضوح پتانسیل انقلابی موجود کارگران و دهقانان ایران را بنمایش گذاشت. نقطه ضعف انقلاب ایران در این امر که رهبری آن فقط و فقط در شکل ظاهری و حرف ضد امپریالیستی بود تجلی یافت، خمینی و آن نیروهای دیگر که در رجا حزب جمهوری اسلامی را سازمان دادند هیچگونه علاقه ای به امر پیشبرد انقلاب در جهت منافع سیاسی و اقتصادی و اجتماعی توده ها نداشتند. در عرض از همان ابتدا رژیم بقیت پایمال کردن حقوق توده ها انقلاب را متوقف نموده و دامنه آنرا در عرصه های مختلف محدود کرد، دستاوردهای گرانهای آنرا بکل پایمال کرده و موقعیت و قدرت - خویش را هرچه بیشتر مستحکم ساخت.

رهبری اسلامی با پشتیبانی مالی سرمایه داران - تجاری و حمایت وسیع توده های زحمتکش نا آگاه به پیروزیهای چشمگیری در جهت تحقق اهداف خویش نائل شد. گام به گام دستاوردهای انقلاب را در عرصه های مختلف از قبیل مسئله زنان، مسئله اقلیت های ملی بخصوص خلق کرد، مسئله کارگران و دهقانان و خلاصه تمام نیروهای مخالف رژیم را بازستاند. از اوایل ژوئن ۱۹۸۱ زمانیکه حزب جمهوری اسلامی موفق به ساقط کردن یوزوازی مد رنیزه و بنی صدر (پشتیان سرمایه داری) شد، رژیم در قبال توده ها دست به یک موج وسیع ترور زده است. نیروهای رزمنده مجاهدین در حقیقت یکی از هدف های اصلی رژیم محسوب گردیده - است. اما این حملات فقط به این سازمان محدود نبوده است بلکه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و سازمان پیکار و دیگر سازمانهای مترقی که پایگاه اصلی خود را در میان طبقه کارگر جای می دهند و اعتصابات کارگری را سازماندهی می کنند، نیز بطور وحشیانه مقابل ایمن حملات قرار گرفته اند. زندانیهای رژیم شاه بار دیگر ملو از نیروهای مخالف رژیم نباشند، اینبار بخاطر

